

# نوجوانان

ماهنامه فرهنگی / اجتماعی  
مردادماه ۱۳۹۵  
دوره جدید، شماره ۱۳۶ (پیاپی ۴۹۷)  
قیمت ۲۰۰۰ تومان

به پدر و مادرم نگویید  
آشنایی با باغ موزه دفاع مقدس  
مسجد جامع خرمشهر  
چوگان، ورزش ایرانی  
انیمیشن شجاعان  
معرفی غارهای دیدنی ایران



تابستان؛  
فصل فراغت



۲۳ مردادماه

روز مقاومت اسلامی

بر ملت های مسلمان و آزاده مبارکباد





ماهنامه فرهنگی و اجتماعی  
شماره ۱۳۶، مرداد ماه ۱۳۹۵  
قیمت: ۲۰۰۰ تومان

○○○

صاحب امتیاز: بنیاد شهید و امور ایثارگران  
مدیر مسئول و سردبیر: محبوب شهبازی  
جانشین سردبیر و مدیر اجرایی: نادر دقیقی  
مدیر اجرایی: خدیجه اکبری

○○○

دبیر تحریریه: دکتر بهنام زندگی  
طراحی گرافیک و صفحه آرایی: آتلیه مهر نوروز  
طراح جلد: ساغر رحمتی  
ناظر فنی چاپ: شاپور محمد حسن زاده  
امور فنی: آتلیه شاهد  
تلفن تحریریه: ۸۸۲۰۸۰۸۶  
تلفن امور مشترکین: ۸۸۸۲۳۵۸۴  
دورنگار امور مشترکین: ۸۸۸۲۸۴۳۵  
آدرس الکترونیکی:  
Email: nojavan@shahedmaj.com  
صندوق پستی: تهران ۱۵۷۱۵/۱۹۳

ناشر: انتشارات شاهد

تهران - خیابان طالقانی خیابان ملک الشعراء  
بهار شمالی شماره ۵  
تلفن: ۸۸۳۰۸۳۴۸

○○○

چاپ: چاپخانه سازمان فرهنگی سیاحتی کوثر  
شاهد نوجوان برای نوجوانان ۱۱ تا ۱۶ سال  
منتشر می شود. مجله در تلخیص و ویرایش  
مطالب رسیده آزاد است. مطالب رسیده  
بازگردانده نمی شود. نقل مطالب مجله با ذکر  
مأخذ مجاز است

۴ روزه قال

۵ یک داستان

۶ لحظه های زندگی

۸ آسمانها

۱۰ من و تویم، تو و بنویس

۱۲ شهید نوجوان

۱۴ علی

۱۶ زیبایی های ایران

۱۸ عجایب هفتلانه

۲۰ موزه های ایران

۲۲ مساجد ایران

۲۴ روز روزی

۲۶ داستان مصور

۳۰ هنر و هنرمندان

۳۲ مرز و قچه

۳۴ جرول

۳۶ یک داستان

۳۸ زنده

۳۸ سبز و آسمان

۴۰ روز به دور دستها

۴۲ دانشمندان ایرانی اسلامی

۴۴ حرارت ...

۴۶ مناجات نامه

۴۸ حکمت

۴۹ از چرخه راز جماران

۵۰ قاصدبار خراسان

## فصل فراغت

تابستان است و فصل فراغت از درس و مدرسه. گویا قاعده این است که هر چه هوا گرم‌تر می‌شود، شور و هیجان نوجوانان برای لذت بردن از این ایام بیشتر شود و تب تعطیلی داغ‌تر.

فراغت تابستان را می‌توان پدیده‌ای دانست که یک سر آن در حیطه فرصت و سر دیگرش در حیطه تهدیدها است. کارشناسان تربیتی و علوم اجتماعی همواره تعطیلات فصلی را به ویژه برای نوجوانان عاملی چند وجهی می‌دانند که در صورت مدیریت و برنامه‌ریزی می‌تواند به زمینه بسیار مناسب و مساعدی برای رشد متناسب با سن و سال فرد تبدیل شود. این رشد می‌تواند در زمینه‌های ورزشی و فعالیت‌های جسمی، فعالیت‌های علمی و آموزشی و فعالیت‌های فرهنگی و هنری هدایت شود. عدم دغدغه حضور روزانه در مدرسه در ایام تابستان می‌تواند فضایی سبکبارانه را برای نوجوانان فراهم آورد که بتوانند در این شرایط با فراغ بال بیشتری به مطالعات آزاد، فعالیت‌های هنری و تکمیل و پرکردن خلاءهای علمی و دانشی خود، متناسب با رشته و گرایش تحصیلی‌شان پردازند.

در وضعیت دوم، عدم مدیریت و استفاده مطلوب از اوقات فراغت می‌تواند به بروز ناهنجاری‌های فردی و متعاقباً اجتماعی بیانجامد. اگر روح فعالیت، تلاش و پویایی را از اوقات فراغت بگیریم، حاصل آن چیزی جز سکون و خمودگی نخواهد بود. بسیاری از نارسایی‌های فردی و اجتماعی ناشی از عدم تحرک و پویایی است و این عارضه به ویژه در سنین نوجوانی که تحرک و پویایی عامل اصلی رشد محسوب می‌شود، عملکرد منفی دو چندان خواهد داشت.

بنابراین اهمیت و نقش سازنده اوقات فراغت در رشد شخصیتی و ارتقای مهارتی نوجوانان باید هم از سوی آن‌ها، هم از سوی والدین‌شان و هم از سوی نهادهای مسوول مورد توجه باشد تا فرصت پیش آمده برای چند میلیون نوجوان مستعد رشد را مغتنم شمرده و لحظه لحظه آن را به پله پله ترقی و تعالی برای این قشر اجتماعی تبدیل کنند. چرا که رود خروشان نیرو و انرژی جوانی در صورت هدایت نشدن، خرابی به بار خواهد آورد و در نهایت، راه به باتلاق‌ها و مرداب‌های ساکن خواهد برد. اما هدایت این رود خروشان، خانواده، جامعه و خود نوجوان را از آثار طراوت‌بخش آن بهره‌مند خواهد ساخت.



# سلسله‌سبک

## توشه سفر

برگرفته از  
بحارالنوار، جلد ۴۶

زهري گوید: امام سجاد علیه السلام را در شبی تاریک و سرد دیدم که مقداری آرد بر دوش خود گذارده و حرکت می‌کند. عرض کردم: یا بن رسول الله این‌ها چیست؟ فرمود: سفری در پیش دارم و برای آن توشه‌ای را به جای امنی می‌برم.

زهري: این غلام من است و آن را برای شما حمل می‌کند، اما امام علیه السلام نپذیرفت.

زهري: خودم آن را حمل می‌کنم زیرا من شان شما را بالاتر از این می‌دانم که آن را حمل کنید.

امام علیه السلام: اما من شان خود را بالاتر از این نمی‌دانم که آنچه مرا در سفر نجات می‌دهد و ورودم را بر کسی که می‌خواهم به محضر او باریابم نیکو می‌گرداند حمل نمایم، تو را به خدا بگذار کار خود را انجام دهم.

زهري از خدمت امام جدا شد به راه خود رفت اما پس از چند روز که به محضر امام علیه السلام رسید عرض کرد: یا بن رسول الله! اثری از سفری که فرمودید نمی‌بینم.

امام علیه السلام فرمود: بله ای زهري، آن‌طور که گمان کرده‌ای نیست بلکه آن سفر، سفر مرگ است و من برای آن آماده می‌شوم. به‌راستی که آمادگی برای مرگ پرهیز از حرام و بخشش در راه خیر است.

تهیه‌کننده: فهیمه سعادت





# شهید عباس بابایی

فرماندهی پایگاه هوایی اصفهان برگزیده شد. ایشان با همه تعهد بی‌پایانش تلاش‌هایی بسیار برای عمران و آبادی روستاهای اطراف اصفهان کرد و پس از دو سال با ارتقا به درجه سرهنگی و با سمت معاون عملیات نیروی هوایی به تهران منتقل شد.

عباس بابایی با بیش از ۳۰۰۰ ساعت پرواز با انواع هواپیماهای جنگنده، قسمت اعظم وقت خویش را در پروازهای عملیاتی و یا قرارگاه‌ها و جبهه‌های جنگ در غرب و جنوب کشور سپری کرد و به‌همین ترتیب چهره‌آشنای «بسیجیان» و یار وفادار فرماندهان قرارگاه‌های عملیاتی بود و تنها از سال ۱۳۶۴ تا هنگام شهادت، بیش از ۶۰ مأموریت جنگی را با موفقیت کامل به انجام رسانید. وی برای پیشرفت سریع عملیات‌ها و حسن انجام امور، تنها به نظارت اکتفا نمی‌کرد، بلکه شخصاً پیشگام می‌شد و در همه مأموریت‌های جنگی طراحی‌شده، برای آگاهی از مشکلات و خطرات احتمالی، اولین خلبان بود که شرکت می‌کرد.

ایشان با رشادت‌هایی که در دفاع از ایران، سرکوبی و دفع

عباس بابایی متولد سال ۱۳۲۹ در شهرستان قزوین. در سال ۱۳۴۸ یعنی هنگامی که ۱۹ سال داشت و در رشته پزشکی نیز پذیرفته شده بود، وارد دانشکده خلبانی نیروی هوایی شد و برای گذراندن دوره خلبانی به آمریکا رفت. پس از دو سال تلاش و دوری از سرزمین و خانواده خود، گواهینامه خلبانی را دریافت کرد و به ایران بازگشت. در سال ۱۳۵۲ در سن ۲۳ سالگی با خانم حکمت، دختر دایی‌اش، ازدواج کرد و ثمره زندگی آن‌ها سه فرزند به نام‌های سلما، حسین و محمد بودند.

عباس بابایی جزو خلبان‌های تیزهوش و ماهر در پرواز با هواپیمای شکاری اف-۵ بود و پس از این که هواپیماهای اف-۱۴ وارد نیروی هوایی شد، عباس بابایی به‌همراه تعداد دیگری از همکارانش برای پرواز با این هواپیماها به اصفهان منتقل شدند. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، به‌عنوان سرپرست انجمن اسلامی پایگاه هوایی اصفهان با دارا بودن تعهد، ایمان، تخصص و مدیریت اسلامی چنان درخشید که با شایستگی‌هایی که از او آشکار شد در سال ۱۳۶۰ به





شهید عباس بابایی در هنگام شهادت ۳۷ سال داشت، او اسوه‌ای بود که از کودکی تا واپسین لحظات عمر گرانقدرش همواره با فداکاری و ایثار زندگی کرد و سرانجام نیز در روز عید قربان، به آروزی بزرگ خود که مقام شهادت بود نایل شد و نام پرآوازه‌اش در تاریخ ایران جاودانه شد.

شهید بابایی در رشته‌های هنری و ورزشی مانند کشتی فعالیت می‌کرد. علاوه بر چنین فعالیت‌هایی، در امور مذهبی هم حضور فعالی داشت.

او همیشه سعی می‌کرد چهره واقعی اسلام را نشان دهد و به انسانیت واقعی معتقد بود و رفتن زیر بار زور را نمی‌پذیرفت. او بعداً با مطالعات سیاسی که داشت، با همکلاسی‌های خود به مبارزات سیاسی و مذهبی پرداخت.

تجاوز دشمن نشان داد پس از مدتی در سال ۱۳۶۶ به درجه سرتیپی ارتقا یافت. صبح روز پانزدهم مرداد ماه روز عید قربان همراه یکی از خلبانان نیروی هوایی به منظور شناسایی منطقه و تعیین راه کار اجرای عملیات، با یک فروند هواپیمای آموزشی اف-۵ از پایگاه هوایی تبریز به پرواز درآمد و وارد آسمان عراق شد. تیمسار بابایی پس از انجام دادن مأموریت، به هنگام بازگشت، در آسمان خطوط مرزی، هدف گلوله‌های تیربار ضد هوایی قرار گرفت و به شهادت رسید.

نقل شده که وی چند روز قبل از شهادت در پاسخ پافشاری‌های بیش از حد دوستانش جهت عزیمت به مراسم حج گفته بود: «تا عید قربان خودم را به شما می‌رسانم.»



# بیدر و مادر م نکوید

آسمانها



اتاق شش متری که تمام دارایی و اثاثیه هایمان در آن خلاصه می شد اخراج کند، سخت نگران بودیم؛ تا این که یک روز صبح، هنگام بیدار شدن از خواب، حیاط مدرسه و کلاس ها را نظافت شده و منبع ها را پر از آب دیدم. تعجب کردم. بی درنگ قضیه را از همسرم جویا شدم. او نیز اظهار بی اطلاعی می کرد. باورم نمی شد. با خود گفتم شاید همسرم از غفلت من استفاده کرده و صبح زود از خواب بیدار شده و پس از نظافت خوابیده است. حالا هم می خواهد من از کار او آگاه نشوم. از طرف دیگر مطمئن بودم که او با آن کمردرد توانایی انجام چنین کاری را ندارد. به هر حال تلاش کردم تا او را وادار به اعتراف کنم؛ اما واقعیت این بود که او این کار را انجام نداده بود. شوهرم از من خواست تا موضوع را به دقت پی گیری کنم و خود نیز با آن که به شدت از کمردرد رنج می برد تماشاگر اوضاع بود. آن روز هر چه بیشتر اندیشیدیم کمتر به نتیجه رسیدیم؛ به همین خاطر تا دیروقت مراقب اوضاع بودیم تا

پس از شهادت عباس، خانمی گریان و نالان به منزل ما آمد و از ماجرای که ما تا آن روز از آن بی خبر بودیم پرده برداشت. این خانم که خود را «سیمپاری» معرفی می کرد، گفت: «در سال ۱۳۴۱ من و شوهرم هر دو سرایدار مدرسه ای بودیم که عباس آخرین سال دوره ابتدایی را در آن مدرسه می گذراند.

چند روزی بود که همسرم از بیماری کمردرد رنج می برد؛ به همین خاطر آن گونه که باید، توانایی انجام کار در مدرسه را نداشت و من هم به تنهایی قادر به نظافت مدرسه و کارهای منزل نبودم. این مساله باعث شده بود تا همسرم چندبار در حضور شاگردان مدرسه مورد سرزنش مدیر قرار گیرد. با این حال هر بار به کم کاری خود اعتراف و در برابر پرخاش مدیر سکوت اختیار می کرد. ما از این موضوع که نکند مدیر به خاطر ناتوانی همسرم سرایدار دیگری استخدام کند و ما را از تنها





سلامش را پاسخ دادم و اسمش را پرسیدم؛ گفت:  
-عباس بابایی.

در حالی که بغض گلویم را بسته بو و گریه امانم را  
نمی‌داد، ضمن تشکر از کاری که کرده بود از او خواستم  
تا دیگر این کار را تکرار نکند؛ چون ممکن است پدر  
و مادرش از این کار آگاه شوند و از این که فرزندشان  
به جای درس خواندن به نظافت مدرسه می‌پردازد، او را  
سرزنش کنند. عباس در حالی که چشمان معصومش را به  
زمین دوخته بود پاسخ داد:

-من که به شما کمک می‌کنم، خدا هم در خواندن  
درس‌هایم به من کمک خواهد کرد.  
لبخندی حاکی از حجب بر گونه‌هایش نشسته بود.  
چشمانش را به من دوخت و ادامه داد:  
-اگر شما به پدر و مادرم نگوئید، آنها از کجا خواهند  
فهمید؟  
ما دیگر حرفی برای گفتن نداشتیم و آن روز هم مثل  
روزهای دیگر گذشت.

راز این مساله را بیابیم. اما آن روز صبح، چون تا پاسی از  
شب را بیدار مانده بودیم، خوابمان برد و پس از برخاستن  
از خواب، دوباره مدرسه را نظافت‌شده یافتیم. مدرسه،  
نما و چهره دیگری به خود گرفته بود. همه چیز خوب  
و حساب‌شده بود؛ به‌همین خاطر مدیر از شوهرم ابراز  
رضایت می‌کرد. غافل از این که ما از همه چیز بی‌خبر  
بودیم. به هر حال بر آن شدیم تا هر طور شده از ماجرا  
سردریابوریم و تمام طول روز در این فکر بودیم که فردا  
صبح چگونه به‌هنگام نظافت، آن شخص ناشناس را  
غافلگیر کنیم.

روز بعد، در حالی که چشمانمان از انتظار و بی‌خوابی  
می‌سوخت، ناگهان با شگفتی دیدیم که یکی از شاگردان  
مدرسه از دیوار بالا آمد. به درون حیاط پرید و پس از  
برداشتن جارو و خاک‌انداز مشغول نظافت حیاط شد. جلوتر  
رفتم، خیلی آشنا به‌نظر می‌رسید. لباس ساده و پاکیزه‌ای  
به تن داشت و خیلی باوقار می‌نمود. وقتی متوجه من  
شد خجالت کشید. سرش را به زیر انداخت و سلام کرد.

تهیه‌کننده: سارا حسینی

# پانزدهم خرداد یک هزار و سیصد و چهل و دو

کیمیا زندیان



که در آن تعداد زیادی از طلاب به شهادت رسیده بودند را برای مردم یادآوری کردند. امام خمینی در این سخنرانی شاه را نصیحت کردند که با اسراییل همکاری نکند و به عواقب آن فکر کند. در روز ۱۳ خرداد مردم تهران به ویژه بازاریان دست به راهپیمایی زدند و با فریادهای مرگ بر دیکتاتور در مقابل یکی از کاخهای شاه تظاهرات کردند. در میدان توپخانه تهران، ماموران انتظامی به طور جدی وارد عمل شدند و مردم را متفرق کردند.

دو روز پس از این اتفاق، در روز ۱۵ خرداد

پانزدهمین روز خرداد سال ۱۳۴۲، مجموعه‌ای از اتفاقات تلخ در تاریخ ایران است که باعث شده این روز در تاریخ انقلاب اسلامی به عنوان نقطه عطفی شناخته شود که راه را برای پیروزی در بهمن سال ۱۳۵۷ هموار کرد.

پانزدهم خرداد، آغازی ناگهانی و بدون مقدمه نداشت. از مدت‌ها قبل ناراضی‌های مردم و روحانیت از نظام شاه آغاز شده بود. تا این که در روز ۱۳ خردادماه، آیت‌الله سیدروح‌الله خمینی (ره)، در قم سخنرانی آتشینی کردند و حادثه مدرسه فیضیه قم را



منابع:

www.jamaraman.ir

www.imam-khomeini.ir

www.fa.wikipedia.org



دیگر تهران نیز تظاهرات سرگرفت و به مکان‌هایی همچون روزنامه‌ها، برخی کارخانه‌ها، کاخ دادگستری و ... نیز حمله شد. وقتی که تظاهرات گسترش یافت، دولت به واسطه کمک نیروهای انتظامی توانست تظاهرات را فرو نشاند و در شهرهای تهران و شیراز به‌طور موقت حکومت نظامی اعلام کند. از روز بعد از آن هم افراد دستگیر شده به دادگاه‌های نظامی تحویل داده شدند. بنا بر آماري که دولت در آن زمان ارایه کرد، در این حوادث هشتاد و شش تن کشته و یکصد و نود و سه تن مجروح شدند.

این قیام، مبدا انقلاب اسلامی بود. ظاهراً با دستگیری رهبر انقلاب در آن روز، قیام سرکوب شده بود اما تاریخ نشان داد که این ابتدایی بود برای پیروزی بزرگ‌تری در بهمن ۱۵ سال بعد. ۱۵ سال مبارزه و تلاش برای به ثمر رسیدن همه مبارزه‌ها و خون‌هایی که برای انقلاب اسلامی بر زمین ریخته شد صورت گرفت و همچنان پس از سال‌های بسیاری که از پیروزی انقلاب سپری شده این روز در تاریخ ایران ماندگار و تعطیل رسمی اعلام شده است.

ماموران نیروی انتظامی در قم به منزل امام خمینی رفته و ایشان را دستگیر کردند. بلافاصله پس از پخش شدن خبر بازداشت امام خمینی، دانشجویان به خیابان‌ها ریختند و برای آزاد ساختن ایشان شعار سر دادند. مردم از ورامین و شهرک‌های اطراف به سوی تهران حرکت کردند. تانک‌ها و زره‌پوش‌ها برای رویارویی با تظاهرات‌کنندگان در سه‌راهی شهر ورامین با جمعیت درگیر شدند و جمعیت زیادی از آن‌ها به خاک و خون کشیده شدند. طی این حرکت که برنامه‌ریزی شده بود هدف تظاهرکنندگان حمله به اداره انتشارات و رادیو و مرکز تسلیحات ارتش و کلانتری‌ها برای دستیابی به سلاح گرم بود. تعدادی اتومبیل و سایر وسایل نقلیه پلیس و ماشین‌های آتش‌نشانی به آتش کشیده شد. به‌ویژه در میدان ارگ تعدادی از نیروهای انتظامی و تظاهرکنندگان کشته شدند. این حمله‌ها به تسلیحات ارتش و کلانتری‌ها و اداره انتشارات و رادیو با وجود مقاومت مأمورین چند بار تکرار شد. در میدان شوش، میدان قزوین و مکان‌های



## شهید نوجوان مهرداد عزیزالهی

اهل ورزش بود؛ کاراته‌باز خوبی بود. مهرداد شش سال در جبهه‌ها حضور داشت. علاوه بر مین‌روبی، در غواصی هم مهارت داشت. در اوایل جنگ که مهرداد تازه به جبهه رفته بود، با او مصاحبه کرده بودند. امام خمینی(ره) آن مصاحبه را دیده و خواسته بودند مهرداد را پیش ایشان ببرند. امام پس از دیدن مهرداد، بر بازوی او بوسه زده بودند.

مهرداد عزیزالهی، در سال ۱۳۶۴ در حالی که ۱۸ سال داشت در عملیات کربلای ۴ در جزیره ام‌الرصاص در حالی که در حال غواصی بود، به شهادت رسید. اما تا سه سال از پیکرش خبری به دست نیامد. بعد از این مدت، پیکری را که بدون پلاک و سایر مشخصات بود برای خانواده آوردند، اما مادرش قبول نکرد، می‌گفت مهرداد مفقودالاثر است. چرا که خوابی دیده و در آن خواب مهرداد به مادر گفته «من در این قبر نیستم».

پدر همواره به مهرداد می‌گفت هنگامی که در جبهه است باید مراقب باشد و هر خدمتی که می‌تواند انجام دهد. حتی زمانی که پدر به او گفت که حالا که برادرش مسعود شهید شده و برادر دیگرش محمد در جبهه است تو بمان، او در پاسخ گفته بود «پدر اگر می‌دانستی عراقی‌ها چه بلایی به سر هم وطن‌های ما می‌آورند، این را نمی‌گفتی. من باید حتماً بروم» پس از شهادت، به خواب پدر هم آمد. پدر پرسیده بود «تو می‌آیی پیش ما و یا اینکه ما می‌آییم پیش تو؟» جواب داده بود «من دیگر نمی‌آیم، شما می‌آیید پیش من.»

مهرداد عزیزالهی در مهرماه سال ۱۳۴۶ در شهر اصفهان متولد شد. هنوز تحصیلات دوره ابتدایی خود را به پایان نرسانده بود که به جبهه رفت و همزمان با حضور در جبهه‌های نبرد، درس خود را تا سال سوم هنرستان در رشته برق الکترونیک ادامه داد.

در خانواده مهرداد، شش پسر به دنیا آمده بودند که مهرداد و برادرش مسعود به شهادت رسیدند و برادر دیگرشان محمد جانباز شیمیایی شد. مهرداد از همان دوران کودکی، مبارزات خود را آغاز کرده بود. به گفته مادرش، در راهپیمایی‌های دوران انقلاب به‌طور مرتب شرکت می‌کرد. حتی وقتی مجسمه شاه را در میدان انقلاب اصفهان پایین کشیده بودند، سر مجسمه را تا مسافت زیادی روی زمین غلطانده بود. در حالی که هنوز در اوایل انقلاب ۱۰-۱۲ سال بیشتر سن نداشت، اما بینش سیاسی و هوش و بصیرت سرشاری داشت.

پس از شروع جنگ هم فعالیت‌های خود را شروع کرده بود و حتی پنهانی آموزش رزم شبانه هم دیده بود. روزی که به مادرش گفته بودند مهرداد می‌خواهد به جبهه برود ایشان گفته بودند مهرداد سنش کم است و کاری از او برنمی‌آید. بعداً فهمیده بودند مهرداد آموزش رزم هم دیده است و راضی شدند به جبهه برود. و مهرداد به جبهه رفت. او همیشه روحیه شاد و شجاعت خودش را حفظ می‌کرد.



## مصاحبه شهید مهرداد عزیز الهی

بسم الله الرحمن الرحيم. رب اشرح لی صدری و یسر لی امری و احلل عقده من لسانی یفقهوا قولی. با سلام بر امام زمان (عجل الله فرجه الشریف) و نائب بر حقش قلب تپنده مستضعفان جهان امام خمینی (ره) و شهدای راه حق و حقیقت و مجروحین و معلولین. مهرداد عزیزاللهی هستم. اعزامی از اصفهان که ۱۴ سالمه. انگیزه‌ای که باعث شد به جبهه بیام، واقعا اون برادرایی که قبلا جبهه بودند و می آمدند برای ما تعریف می کردند جبهه چه خاصیت‌های خوبی داره که مثلاً هر کسی بره ساخته میشه از هر لحاظ و دیگه اون ناخالصی‌ها و اون گناهایش در اونجا در جبهه معصیت نمی‌شد، من به جبهه اومدم شاید کمکی در راه خدا بکنم و گناهانم پاک بشه.

### چند وقت است در جبهه هستی؟

الآن حدود ۸-۹ ماهه که در جبهه هستم. ۳ ماه آن را در کردستان بودم.

### در کردستان چه کار می کردید؟

در کردستان جنبه تبلیغاتی بوده که ما کار می کردیم.

### در این مدت که در گردان تخریب هستید چه کارهایی انجام داده‌اید؟

تو این مدت البته ما هیچ کاری نکردیم. هر کاری که می‌شد خدا می‌کرد. ما فقط وسیله بودیم. همین حالا که ما داشتیم با موتور از خط می‌آمدیم. یک خمپاره تقریباً ۵ متری ما خورد. قشنگ ۵ متری موجش ما را تکان داد و یک ترکش هم نخوردیم ما فقط وسیله بودیم در این جبهه‌ها. هیچ کاره‌ایم. ضعیفیم در مقابل این قدرت‌ها. فقط خداست که ما را یاری می‌کند.

### در محورهای مختلف عراق که مین می‌گذارند مین خنثی کردید آیا برای محورهای خودمان مین کاشتید؟

خنثی بله کردیم. یک مقدار در عملیات بیت‌المقدس بود که برای برادرانمون در فتح خرمشهر وحله اولی و دوم و سوم که معبر باز کردیم. عملیات رمضان بود که معبر باز کردیم در تیپ نجف اشرف که واقعا معجزات زیادی بر ما شد همین عملیات که معبر باز نکردم در گردان بودم.

### وقتی می‌آمدی جبهه پدر و مادرت راضی بودند، از آنها اجازه گرفتی؟

پدر و مادر من اتفاقاً زمینه آمدن به جبهه را خودشان درست کردند. واقعا از آنها تشکر می‌کنم که اجازه دادند پیام جبهه. به بقیه پدر و مادرها هم می‌گم این قدر احساساتی نباشند. وابسته نباشند که فرزندشون بیاد جبهه بگذارند فرزندشون بیاید، خودشان بیایند ساخته بشن در این جبهه‌ها. به نظر من هر کس حداقل باید یک هفته بیاد و جبهه‌ها را حتی به صورت تماشا نگاه کند.

### تا حالا رفتی برای مین‌گذاری؟

بله رفتیم ولی از نظر امنیتی درست نیست بگم کجا!

سمیرا بهارلو



# هلی کوپتر

در سال ۱۹۳۹ یک نفر روسی که سیکورسکی نام داشت نخستین هلیکوپتر ملخ‌دار را ساخت. سیکورسکی توانست نخستین هلیکوپتر جهان را به تولید انبوه برساند و خود را به عنوان نخستین شرکت هلیکوپترساز جهان معرفی کند. این هلیکوپتر Sikorsky VS-۳۰۰ نام گرفت که دارای طراحی مشابه اکثر بالگردهای امروزی، یعنی یک ملخ اصلی به علاوه یک ملخ دمی برای خنثی کردن نیروی گشتاور حاصل از چرخش ملخ اصلی بود.

این روند پیشرفت در صنایع بالگردسازی جهان ادامه پیدا کرد و انواع مختلف بالگرد با کاربری‌های مختلف به‌مرور زمان توانستند جای خود را در زندگی انسان باز کنند به‌طوری که امروزه به‌ندرت کشوری را می‌توان پیدا کرد که از هلیکوپتر بهره‌مند نباشد.

ملخ اصلی هلیکوپتر، مهم‌ترین قسمت آن را تشکیل می‌دهد. هلیکوپتر به‌وسیله همین قسمت به بالا و پایین و دو طرف پرواز می‌کند. برای انجام این کارها، در ابتدا ملخ‌ها باید از استحکام کافی برخوردار باشند و همچنین قادر به تنظیم زاویه آنها بود تا عمل موردنظر انجام شود. در هلیکوپتر، این تنظیم زاویه به‌وسیله صفحات لغزنده انجام می‌شود.

صفحات لغزنده از دو صفحه ثابت و چرخان تشکیل شده‌است. صفحه چرخان به‌وسیله شفت می‌چرخد و بر اثر این چرخش، ملخ‌ها، به‌سبب اتصالشان به این صفحه، می‌چرخند. میله‌های کنترل درجه سبب ایجاد تغییر زاویه در صفحه چرخان و در نتیجه ملخ‌ها می‌شوند. زاویه صفحه ثابت توسط میله‌های کنترل تغییر می‌کند، که این میله‌ها مستقیماً توسط خلبان اداره می‌شود. خلبانان با تغییر زاویه تیغه می‌توانند مسیر و خط پرواز را عوض کنند. برای شروع پرواز، تیغه‌ها را به وضعیت افقی درمی‌آورند. اگر زاویه کمتر شود هلیکوپتر به زمین نزدیک‌تر می‌شود. اگر محور را به جلو خم کنند هلیکوپتر به سمت جلو یا بالا می‌رود. تیغه کوچکی که در انتهای هلیکوپتر قرار گرفته برای کنترل دور زدن آن است.

هلیکوپترها هم در زمان جنگ و هم در زمان صلح کاربرد بسیار دارند. از موارد کاربرد



نابغه قرن پانزدهم میلادی، لئوناردو داوینچی، در کنار سایر اختراعات و نظریه‌های خود، هواپیمای عجیبی را طراحی کرد. این هواپیما در قسمت بالا پروانه بزرگی داشت که با فنری به هواپیما متصل بود و با چرخش آن هواپیما از روی زمین بلند می‌شد. البته داوینچی در آن زمان فقط این وسیله را طراحی کرد، اما در قرن بیستم با استفاده از این نظریه، هلیکوپتر ساخته شد. هلیکوپتر به هر طرف پرواز می‌کند، بالا، پایین، عقب، جلو، راست و چپ. می‌توان آهسته حرکت کرد، سریع حرکت کرد، نزدیک به سطح زمین یا آب حرکت کرد یا ماند.

در سال ۱۹۰۷ میلادی شخصی فرانسوی با نام پل کارنو (Paul Cornu) توانست نخستین هلیکوپتر سرنشین‌دار را بسازد که پرواز موفق و آزاد داشته باشد.

پس از سال‌ها تلاش برای ساخت هلیکوپتر، سرانجام







- هلیکوپتر دارای ملخ دمی که ملخ دمی در داخل یک محفظه قرار دارد و ملخ دمی دارای تعداد بیشتری پره است که کوتاه‌تر از نوع قبلی بوده و با سرعت بیشتری می‌چرخند.
- هلیکوپتر با طراحی فاقد ملخ دمی که به NOTAR مشهور هستند.

• هلیکوپتر با طراحی Tip jet که فاقد هرگونه مکانیسمی برای خنثی کردن گشتاور حاصل از چرخش ملخ اصلی می‌باشند زیرا مکانیسم چرخش ملخ اصلی در این هلیکوپترها به گونه‌ای طراحی شده است که بر اثر چرخش آن هیچ نیروی گشتاوری تولید نمی‌شود که باعث شود هلیکوپتر دور خودش بچرخد.

### هلیکوپترهای دارای بیش از یک ملخ اصلی شامل:

- هلیکوپتر دارای دو ملخ اصلی هم‌محور که در آن دو ملخ اصلی به‌صورت هم مرکز و روی هم قرار گرفته‌اند و به‌منظور خنثی‌شدن نیروی گشتاور ایجاد شده این دو ملخ خلاف جهت هم می‌چرخند.
- هلیکوپتر دارای دو ملخ اصلی پشت سر هم که درارای دو ملخ اصلی پشت سر هم است.
- هلیکوپتر با طراحی Tilt Rotor که ترکیبی از هلیکوپتر و هواپیما است.
- هلیکوپتر هیبریدی این مدل از هلیکوپتر هم مثل مدل قبلی حدوسطی از بالگرد و هواپیما است و هنگام حرکت رو به جلو مانند هواپیما عمل می‌کند که موجب سرعت بالا در حرکت رو به جلو می‌شود.
- بالگردهای با طراحی ملخ تداخلی که دارای دو ملخ اصلی است که با انحنا نسبت به هم در کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند.
- مولتی کوپترها که دارای بیش از ۲ ملخ اصلی هستند.

تهیه کننده: امین نوری

هلیکوپترها می‌توان به سمپاشی گیاهان مزارع، متوقف کردن آتش‌سوزی جنگل‌ها، امور پستی، کنترل ترافیک، اطلاع از تصادفات کوهستان‌ها، دریا، جاده‌ها و بالاخره نجات افراد حادثه‌دیده اشاره کرد که بسته به نیاز و استفاده این هلیکوپترها، انواع مختلفی از آن‌ها ساخته شده است. در یک تقسیم‌بندی کلی می‌توان انواع هلیکوپتر را به سه دسته اصلی تهاجمی، ترابری و پشتیبانی تقسیم کرد.

هلیکوپترهای نظامی را می‌توان بر حسب کارکردشان به دسته‌های زیر تقسیم کرد:

- هلیکوپتر ضد زیردریایی
- هلیکوپتر نجات دریایی
- هلیکوپتر گشت دریایی
- هلیکوپتر باربری
- هلیکوپتر مسافربری
- هلیکوپتر امداد و نجات
- هلیکوپتر آمبولانس

بقیه هلیکوپترها هم در دسته‌های خصوصی، ویژه، آموزشی، آتش‌نشانی و علمی-تحقیقاتی قرار داده می‌شوند.

لیکوپترها از لحاظ ملخ، به دسته‌های متنوعی تقسیم می‌شوند:

### هلیکوپترهای دارای یک ملخ اصلی شامل:

- هلیکوپتر با طراحی متداول که در آن‌ها یک ملخ در ناحیه دم بالگرد به‌طور عمود بر ملخ اصلی نصب شده است.





صنعتی- اقتصادی بوده است. اساس کار مجموعه به این صورت است که سدی به نام گرگر مسیر رودخانه را مسدود کرده و سطح آب برای آبیگری سه تونلی که در تخته‌سنگ حفر شده‌اند بالا می‌رود. آب از این تونل‌ها به داخل مجموعه هدایت شده و در کانال‌های مختلفی جاری می‌شود. آسیاب‌ها می‌چرخند و آب به صورت آبشارهایی به محوطه‌ای که شبیه حوضچه است سرازیر می‌شود.

ساختمان‌های محوطه به سه قسمت تقسیم می‌شود: محوطه شرقی: در این محوطه حدوداً ۱۰ آسیاب قرار دارد که عبارتند از: آسیاب دو برادران، داراب خان، حاج مندل، راتق، دهانه شهر. هر کدام از این آسیاب‌ها دارای دو سنگ آسیاب است. آب مورد نیاز این آسیاب‌ها علاوه بر تونل دهانه شهر از تونل دیگری به نام تونل بلیتی نیز تأمین می‌شود.

محوطه شمالی: قدمت ساختمان‌های موجود در این محوطه نسبت به سایر بناهای موجود در محوطه کمتر می‌باشد. در این محوطه علاوه بر آسیاب‌های خدایی، آسیاب رضا گلاب یا پنیری و آسیاب‌های رضوان، تأسیسات مربوط به کارخانه برق مستوفی که در سال ۱۳۳۲ ساخته شده است، تلمبه‌خانه که آب مصرفی شهر را تأمین می‌کرده است، در انتهای ضلع شرقی و ساختمان تأسیسات بهداشتی قرار دارد. آب آسیاب‌های این محوطه از تونل سه کوره، و آب مورد نیاز کارخانه برق نیز از تونل دهانه شهر تأمین می‌شود.

محوطه غربی: در این محوطه ۲۱ آسیاب قرار داشته که



## آثار تاریخی ایران سازه‌های آبی شوشتر

در دوران هخامنشیان تا ساسانیان، مجموعه‌ای به هم پیوسته از پل‌ها، آسیاب‌ها، آبشارها، کانال‌ها و تونل‌هایی برای هدایت ساخته شدند که بتوان از آب موجود بهره‌برداری بهتری کرد. این مجموعه عظیم در شهر شوشتر در استان خوزستان واقع شده که تا قبل از انقلاب صنعتی در قرن هجدهم میلادی (قرن دوازدهم هجری شمسی) به عنوان بزرگترین مجموعه صنعتی جهان در نظر گرفته شده است. مجموعه آسیاب‌ها و آبشارهای شوشتر از نمونه‌های بی‌نظیری است که در دوران کهن برای استفاده بهتر از آب ساخته شده و مورد استفاده قرار گرفته‌اند. از سفرنامه‌نویسان مشهور این بطوطه نیز هنگامی که از این شهر بازدید کرده، با علمایی ملاقات کرده که از علم و دانش آنها شگفت‌زده شده و در سفرنامه خود از عظمت پل‌های شوشتر یاد کرده است. مجموعه آسیاب‌ها و آبشارها تشکیل‌دهنده محوطه برزگی است که در قدیم به صورت یک مجموعه







جالب توجه این که رود گرگر کاملاً با دست کنده و ایجاد شده است و زمان احداث آن را به اردشیر بابکان، پادشاه ساسانی، نسبت داده‌اند. اما در طی مطالعات باستانشناسی، تاریخ ساخت رود حتی به عقب‌تر از آن هم نسبت داده شده است. در زمان ساسانیان، شهر شوشتر در آبادانی کامل بود و درخشان‌ترین دوره خود را گذراند و با تاسیساتی که این سازه‌های آبی ایجاد کردند کشاورزی در این شهر رونق بسیار داشت و امروزه پس از نزدیک به ۱۵۰۰ سال همچنان استوار و پا برجاست و بر دانش سازندگان آن گواهی می‌دهد. به دلیل وجود این سازه‌ها، می‌توان شهر شوشتر را موزه بناها و سازه‌های آبی دانست که عملکرد آن‌ها به هم پیوسته است و از این جهت، شوشتر یک شهر کم‌نظیر در جهان بوده است. این اثر تاریخی در تاریخ ۱۷ آذر ۱۳۷۷ به شماره ۲۱۸۱ در فهرست آثار ملی ایران به ثبت رسید و در سال ۲۰۰۹ (تابستان ۱۳۸۸) مجموعه سازه‌های آبی شوشتر مشتمل بر بند میزان، آسیاب‌های آبی، قلعه سلاسل، بند گرگر، بند خاک، پل بند شادوران، بند برج عیار، پل لشکر، بند ماهی باران، بند شرابدار و میل مناره کلاه‌فرنگی در فهرست آثار جهانی یونسکو به عنوان دهمین اثر از ایران با شماره ۱۳۱۵ به ثبت رسید.

سروش احمدی



آب مورد نیاز این آسیاب‌ها از تونل سه کوره تأمین می‌شده است. راه ورود به محوطه غربی از طریق پلی موسوم به دوپلون می‌باشد. آسیاب‌های این محوطه در دو نوع شیبی و تنوره‌ای ساخته شده‌اند. علاوه بر آسیاب‌ها، کارخانه یخ جولا زاده (۱۳۳۴) و یک تلمبه‌خانه آب نیز موجود است. در زیر پلکان موجود در محوطه غربی (این پلکان راه ارتباطی بافت قدیم شهر با محوطه غربی بوده است) و بر بام آسیاب موسوم به لوعلی ساختمانی با پلان مربع و سقف گنبدی شکل به سبک آتشکده‌ها قرار دارد که به نمازخانه منسوب می‌باشد. در انتهای محوطه غربی اتاقک‌هایی صخره‌ای موسوم به سیکا قرار دارد که راه ورود به این اتاقک‌ها از طریق پلکان‌هایی که در صخره تعبیه شده‌اند تأمین می‌شود.

این مجموعه در کنار بافت تاریخی شهر شوشتر قرار داشته و آب مورد نیاز ساکنین را تأمین می‌کرده است. از زیبایی‌های مجموعه همین آبشارهای مصنوعی هستند که منظره‌ای چشم‌نواز و زیبا را ایجاد می‌کنند. یعنی فن‌آوری در کنار هنر قرار گرفته و علاوه بر استفاده صنعتی از آبشارها، مناظر زیبایی ایجاد شده‌اند تا همانند سایر جلوه‌های هنر ایرانی، هنر و فن در هم آمیخته شوند و از شاهکارهای مهندسی در جهان به حساب بیایند. علاوه بر این، تونل‌های سه‌گانه‌ای که در ابتدای مسیر قرار دارند، حجم معینی از آب را برای به حرکت درآوردن پره‌های آسیاب به‌عهده داشتند و نکته





## تاریخچه بناها

# برج فاروس اسکندریه

سمانه مهربانی

تاسیسات  
(روشنایی برج  
فاروس نخستین  
تاسیسات  
هدایت نوری در  
تاریخ کشتیرانی  
و دریانوردی  
بود. بنابراین  
برج اسکندریه  
به معنای واقعی  
نخستین برج  
روشنایی بود که  
ایجاد شد

یک سال پس از آن که اسکندر مصر را تسخیر کرد و در پایتخت قدیمی مصر به نام «ممفیس» به عنوان فرمانروای مصر تاج بر سر نهاد، طی برنامه جشنی یک چهارگوش به ابعاد ۵۳۷۰ متر در ۱۲۵۳ متر را با قدم‌هایش اندازه‌گیری کرد. اسکندر می‌خواست شهر اسکندریه را تاسیس کند و با این کار فرهنگ و اقتصاد یونان را در مصر رواج دهد. این شهر باید یک مرکز تجاری و بندر عمده و مهم می‌شد. نقشه‌های شهر جدید را خود اسکندر طرح‌ریزی کرده بود. او در نقشه‌هایش مکان میدان و مرکز تجاری شهر و حتی تعداد و محل معابد را نیز مشخص کرده بود و بالاخره هم دستور داد بر فراز یک صخره دریایی در کنار جزیره «فاروس» که جلوی شهر اسکندریه قرار گرفته بود، یک برج روشنایی بسازند که بزرگتر و بلندتر از تمام برج‌های دنیا باشد که تا آن زمان ساخته شده بودند. اسکندریه شهری شد که شاه می‌خواست و تبدیل به شهری پر رونق با ۶۰۰,۰۰۰ نفر جمعیت شد. اما خود اسکندر که در سال ۳۲۳ قبل از میلاد درگذشت، موفق به دیدن برج نشد و ۲۳ سال بعد از درگذشت او ساخت برج شروع شد. ساختن برج یک کار عظیم بود. زیربنای آن به صورت چهارگوش و با اندازه ۳۰ در ۳۰ متر بود. ارتفاع قسمت اولیه آن ۷۱ متر بود که به سمت بالای آن قطرش کاهش می‌یافت.

بر روی سکوی فوقانی دومین بخش برج قرار داشت که ساختمانی هشت‌گوشه با ارتفاع ۳۴ متر بود. بر روی این قسمت هم یک بخش استوانه‌ای شکل قرار داشت که در آن تاسیسات روشنایی استقرار داشتند و بالاخره بالای این استوانه، سقفی گنبدی قرار داشت که بر روی آن هم مجسمه زئوس از ارتفاع ۱۳۰ متری به دریا نگاه می‌کرد.

قسمت زیرین برج ۱۴ طاق منحنی داشت. در میان برج تونلی وجود داشت که از زیرزمین تا اطاق تاسیسات روشنایی ادامه داشت. یک بالابر طنابی می‌توانست مواد و تجهیزات را تا بالاترین طبقه برج حمل کند. نمای خارجی برج از سنگ مرمر سفید بود. برای ساختمان برج حدود ۲۰۸۰۰ کیلوگرم نقره هزینه شده بود.

این برج مانند تمام نشانه‌های دریانوردی آن زمان در ابتدا به عنوان یک برج دریانوردی برای استفاده در روز ساخته شده بوده است. کشتی‌ها در آن دوران، عصرها قبل از غروب آفتاب همه روزه بندری را می‌یافتند و در آن پهلوی می‌گرفتند تا شب‌ها بر روی آب نباشند. به هر حال اسکندریه خارج از انتظار و خیلی زود شکوفا و پر از رفت و آمد شد. در بندر داخلی غلات و انواع سبزی از دره پربار نیل تخلیه می‌شد. در بندر رو به دریا کشتی‌های بزرگ با انواع نوشیدنی از یونان، ادویه از شرق، فلز از اسپانیا و بسیاری





برج روشنایی به وجود نیامده بود و به همین دلیل نیز نامی برای چنین ساختمانی وجود نداشت، بر اساس نام محل ساخت آن، برج فاروس نامیده شد. هرچند، از اثر عظیم و غول آسا از عجایب هفتگانه جهان، امروزه تنها یک نام باقی مانده است.

در متون تاریخی درباره ارتفاع این برج اعداد و ارقامی ذکر شده که چندان باورکردنی نیست. یونانی‌ها ارتفاع آن را تا ۲۷۲ متر دانسته‌اند. اعراب که ۱۰ قرن بعد توانستند مصر را تصرف کنند، بلندای ویرانه‌های برج دریایی اسکندریه را ۱۶ ذکر کرده‌اند.

برج فاروس بر روی پایه‌ای چهارگوش با ۶۹ متر ارتفاع بنا شده بود که از دیواری ۸ ضلعی و ۳۸ متری بالا رفته و برج ۹ متری دیگری روی آن بنا شده بود. بر فراز این برج اخیر فانوس دریایی قرارداشت. فانوس دریایی اسکندریه برفراز برج عظیم آن روشن بوده و این برج تا سده ۱۲ جایگاه فانوس دریایی بوده است. در سال ۱۳۷۵ میلادی بر اثر زمین‌لرزه شدیدی که در اسکندریه و سایر نقاط اطراف آن روی داد، برج دریایی اسکندریه زیر و رو شد و از ویرانه‌های آن هم چیزی به دست نیامد.

اجناس بازرگانی دیگر از تمام دنیا پهلو می‌گرفتند و بارهای خود را تخلیه می‌کردند. از اسکندریه در آن زمان بیش از هر چیزی، شیشه، پاپیروس و کتان صادر می‌شد. چون ترافیک و تردد کشتی‌ها در بندر اسکندریه بسیار زیاد شد، کشتی‌ها در شب نیز وارد بندر می‌شدند و یا اینکه از بندر خارج شده و بادبان می‌کشیدند. برای این منظور، تاسیسات روشنایی قوی در برج ایجاد شد که در آن صمغ درخت و روغن سوزانیده می‌شد. این تاسیسات روشنایی، نخستین تاسیسات هدایت نوری در تاریخ کشتیرانی و دریانوردی بود. برج اسکندریه بنابراین به معنای واقعی نخستین برج روشنایی بود که ایجاد شد.

نور ایجاد شده را آئینه مقعری بازمی‌تاباند. گفته می‌شود این نور به قدری قوی بوده است که تا مسافت بسیار زیادی را می‌توانستند با آن ببینند. این نورافکن قوی به همراه ساختمان عظیم برج، یکی از دلایلی بوده است که فانوس دریایی را جزو عجایب هفتگانه جهان قرار داده است. این فانوس حدود ۱۰۰۰ سال سالم و دست‌نخورده باقی ماند. اما در سال ۷۹۶ میلادی، در اثر زلزله در هم فرو ریخت و تلاش‌ها برای بازسازی آن بی‌حاصل ماند. در سال ۱۴۷۷ میلادی، «کیت بی» یکی از سلاطین مصر بر روی زیربنای برج قلعه‌ای ساخت که امروزه هنوز هم پابرجاست.

چون قبل از برج اسکندریه هنوز





## باغ موزه دفاع مقدس

شیما آقازاده

می‌کند. در این تالار تجاوز رژیم عراق به خاک ایران و اشغال آن تصویر شده است.

سومین تالار، تالار دفاع است. آثار این تالار نشان‌دهنده اوضاع وخیم کشور بعد از جنگ، بسیج شدن مردم به رهبری امام خمینی و تدابیر حکیمانه وی برای خارج کردن کشور از فضای ملتهب آن دوران است. در این تالار پرچم‌ها به‌عنوان نماد همبستگی، حرکت مردم برای اعزام به جبهه‌ها، هدایتگری امام خمینی، هدایای مردمی برای جبهه و غیره به نمایش درآمده‌اند.

تالار چهارم، تالار آرامش و مقابله نام دارد. پس از دفاع و متوقف کردن دشمن، زمان نشان دادن قدرت ایران بود به دست جوانان تا کشور به آرامش برسد. در این زمان رزمندگان بر جنگ مسلط شدند. در این تالار فرار سربازان عراقی، طرح‌ریزی عملیات، قدرت رزمندگان، ماکت موشک‌ها و نقش منافقین در جهت نا امن کردن کشور نمایش داده شده است.

سیم خاردارها، پل خیر و فعالیت‌های مهندسی، میز طرح‌ریزی عملیات، ساختار فرماندهی در دفاع مقدس، دیوار نابرابری‌های جنگ، نمایش سلاح‌های سبک نظامی، معبر مین، نمایه هنری از سلاح کاتیوشا، نمایه هنری از نام رسته‌ها بخش‌های دیگر این تالار هستند.

پنجمین تالار، تالار شهادت است که تالار مردان خدا است. مردانی که جان خود را برای استواری ایران فدا کردند. عاشورا، جانبازان، مفقودالاثرها، پل شهادت، ماسک شیمیایی و پلاک‌های کوچه‌ها و خیابان‌هایی که به نام شهدا مزین شده‌اند در این تالار قابل دیدن هستند.

تالار پیروزی ششمین است. در این جا دلاوری‌هایی که رقم زده شدند تا همه حمایت‌های کشورهای دیگر و دشمنان

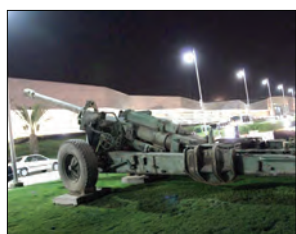
در سال ۱۳۸۳ طی تلاشی برای نشان‌دادن حماسه ملت ایران در دوران انقلاب و دفاع مقدس، مطالعات ساخت موزه‌ای بسیار بزرگ در تهران انجام گرفت و در سال ۱۳۸۴ طرح موزه «دفاع مقدس» به تصویب رسید. در طراحی موزه و امکاناتی که در ساخت و نمایش آثار به کار رفتند، محتوا و روح حماسی دفاع مقدس به‌شیوه‌ای نوین و با به‌کارگیری فن‌آوری‌های نوین به نمایش درمی‌آید.

این موزه هفت تالار دارد. یکی از این تالارها، تالار آستانه است که راه ورود به تالارهای دیگر است. این تالار روزگاری را روایت می‌کند که مردم علیه نظام شاهنشاهی قیام کردند. در کنار آثار دوران انقلاب که شامل دیوار مبارزات مردم و دیوار جلوه‌گاه امام خمینی (ره) هستند، دیوار ویدیویی از بناهای تاریخی ایرانی مانند چغازنبیل، سازه‌های آبی شوشتر، نمایی از کاشی‌کاری مسجد جامع اصفهان و تصاویر مشاهیر مبارز در جریان انقلاب مشروطه نیز در این تالار قرار دارند. در سایر بخش‌های تالار از شعارنویسی‌ها، ورود امام و گل‌های میخک که هنگام ورود امام بر خیابان‌ها گذاشته شده بودند نیز آثاری مفهومی به چشم می‌خورند.

دومین تالار، تالار حیرت و حقانیت است. تصویر پاره‌کردن مصوبه شورای امنیت در رابطه با حریم مرزی ایران به دست صدام خاطراتی را از آغاز جنگ تحمیلی علیه ایران تداعی







که در این تالار دیده می‌شوند. در فضای بیرونی باغ‌موزه دستاوردهای نظامی جمهوری اسلامی در فواصلی قرار داده شده‌اند و بازدیدکنندگان از نزدیک آن‌ها را می‌بینند و لمس می‌کنند. ادوات نظامی به‌غنیمت گرفته شده توسط رزمندگان نشان از شجاعت و پیروزی‌های آنان در دوران دفاع دارد.

مهم‌ترین قسمت، نماد مقاومت ایران است؛ مسجد خرمشهر. مسجدی که سنگر بود و ایثار در درون آن ریشه زد. و اکنون در این موزه، مسجد جامع خرمشهر در قلب پایتخت ایستاده است. در دوران دفاع مقدس، این مسجد جایی بود که هر کسی از رزمندگان و شهروندان هر کاری داشت به آنجا می‌رفت، برای غذا، برای درمان جراحات، برای پیدا کردن گمشده و همچنین برای گرفتن اسلحه. این مسجد محل سازماندهی نیروهای ایرانی بود. اکنون در شهر تهران، بنای این مسجد برافراشته شده تا یادآور دوران دفاع، هویت دفاع مقدس باشد و به نمادی از مقاومت رزمندگان تبدیل شده است.

از دیگر نمادهای سربلندی، ایستادگی، عزت، اقتدار و از همه مهم‌تر هویت ایران و حماسه‌های آن، برافراشتن بلندترین پرچم در این باغ‌موزه است که از لحاظ ارتفاع سومین برج پرچم در جهان و بلندترین پایه پرچم در ایران است.

تمام آنچه که در ساخت و نگهداری موزه انجام شده تنها بازتابنده گوشه‌ای از غیرت و شجاعت، ایثار و از جان گذشتگی مردان و زنان این سرزمین است که ایستادند تا کشور ایران بایستد.

ایران نتوانند حتی یک سانتیمتر از خاک ایران را جابه‌جا کنند، نمایش داده می‌شوند. این تالار شامل روزنامه‌های حاوی خبر پیروزی، گسترش حملات شیمیایی عراق، قطعه‌نامه ۵۹۸ و مکاتبات صدام با رهبری و ریاست جمهوری ایران است. شرح مختصری بر تجاوزات ارتش بعث و سرنوشت دیکتاتور، تصویر صدام، عملیات‌های ثامن‌الائمه، بیت‌المقدس، والفجر، مرصاد، جنگ نفتکش‌ها، جنگ شهرها، فاجعه سقوط هواپیمای مسافربری ایرباس، هجوم مجدد ارتش عراق از جمله سایر بخش‌های این تالار هستند.

تالار سرانجام هفتمین تالار است. سرانجام، آخرین پرده از روایتی است که باغ موزه دفاع مقدس و ترویج فرهنگ مقاومت به بازدیدکنندگان نشان می‌دهد. این تالار با واقعه حزن انگیز رحلت بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران آغاز می‌شود. به‌طوری‌که به محض ورود، ۹ آینه دیده می‌شوند که تصویر صندلی خالی حضرت امام در بالکن جماران بر روی آن‌ها منعکس می‌شود و به بیننده این نکته را یادآور می‌شود که ایشان دیگر در میان ما نیست. سپس بالکن بازسازی شده حسینی جماران و صندلی امام خودنمایی می‌کند، جایی که اکثر سخنرانی‌های ایشان در آنجا صورت می‌گرفت.

آخرین تالار، تالار پروانه‌ها تنها تالار باغ‌موزه است که در آن آثار حجمی نگهداری می‌شود. این تالار به یاد شهدای هشت سال و جانفشانی‌های آن‌ها بنا شده است. آثار و یادگاری‌های شهدا، گالری تصاویر سه‌بعدی، تندیس فرماندهان از جمله آثاری است







## مسجد جامع خرمشهر

محمدامین نوری

تجهیز، آموزش، جمع‌آوری کمک‌ها، مداوای اورژانسی مجروحین و نگهداری موقت پیکرهای شهدا تبدیل شد. با حضور مستمر شهید محمد جهان‌آرا فرمانده سپاه خرمشهر و تعدادی از افسران ارتش و نیز استقرار بی‌سیم مادر در مسجد، این مکان عملاً به مکان مهم دفاع از خرمشهر تبدیل شد. دشمن در ۱۳۵۹/۷/۲۸ مصادف با عید قربان با هدایت عناصر ستون پنجم برای اولین بار مسجد جامع را هدف گلوله‌باران خود قرار داد که در نتیجه آن بخش‌هایی از گنبد و صحن مسجد تخریب و جمعی از مدافعین به شهادت رسیدند. صبح روز ۳ آبان ۱۳۵۹ درگیری با دشمن در سی‌متری مسجد تشدید و در نهایت توسط دشمن اشغال شد و با فرارسیدن شب دستور عقب‌نشینی و ترک شهر به همه مدافعان ابلاغ گردید. مسجد جامع خرمشهر یکی از معدود بناهایی بود که پس از آزادسازی

در فراز و نشیب‌های تاریخ ایران، مساجد همیشه از سنگرهای مقدم دفاع، حماسه‌آفرینی و تغییر بوده‌اند. چه در دوران قبل از انقلاب اسلامی و حتی قبل‌تر از آن در دوره‌های مختلف و چه پس از انقلاب در دوران دفاع مقدس، مساجد پایگاه‌هایی برای انتقال جهان‌بینی و عقاید اسلامی و ایرانی بوده و همیشه حرکت‌های انقلابی از دل مساجد آغاز شده‌اند. یکی از برجسته‌ترین این مساجد در تاریخ معاصر ایران، «مسجد جامع خرمشهر» است. این مسجد در شهر خرمشهر و در سال ۱۲۵۰ ساخته شده که به نام «مسجد لب‌شاخه» معروف بوده و پس از بازسازی در سال ۱۳۴۳ به یکی از مراکز اصلی مبارزه علیه نظام پیشین ایران تبدیل شد.

پس از پیروزی انقلاب این مسجد تبدیل به محلی برای مبارزه با افراد ضد انقلاب شد و پس از آغاز جنگ هم به دلیل موقعیت مکانی و همچنین نقشی که در مبارزات پیش از انقلاب داشت به نقطه کانونی مقاومت مردم خرمشهر تبدیل شد و مرکزی به‌عنوان مرکز پشتیبانی و سازماندهی نیروهای مردمی به محلی برای تبادل اخبار،



خرمشهر همچنان پابرجا مانده بود. با پیروزی عملیات بیت المقدس رزمندگان بلافاصله پس از آزادسازی خرمشهر خود را به مسجد جامع رساندند و نماز شکر به جای آوردند.

این مسجد در منتهی الیه جلگه خوزستان و جایی که خوزستان به آب‌های آزاد متصل می‌شود، واقع شده است و به‌علت اینکه رزمندگان اسلام پس از فتح خرمشهر و بازپس‌گیری آن از دشمن در آن جشن پیروزی گرفتند، برای همیشه در تاریخ مقاومت ایران ماندگار شد. با توجه به اینکه خرمشهر از گذشته‌های دور محل تردد بازرگانانی که اکثراً از مسلمانان کشورهای همسایه و شیخ نشین‌های خلیج فارس بوده و محل تجمع مسلمین و اهالی منطقه بوده است، این مسجد برای برپایی نماز این افراد در شهر خرمشهر بنا شده است و گفته می‌شود بیش از ۱۲۰ سال قدمت دارد؛ ولی از موسس و بانی آن اطلاع دقیقی در دست نیست. اما مسجدی نام‌آشناست برای تمام مردم ایران و حتی توریست‌های خارجی. این مسجد را می‌توان تنها بنایی دانست که بدون شاخص‌های تاریخی و معماری در کنار سایر شاهکارهای معماری تاریخی در جهان می‌درخشد و سال‌هاست که به‌عنوان یکی از مهم‌ترین بناها نه‌تنها در کشور بلکه در جهان معروف شده است و سالانه میزبان خیل عظیم زائرانی از اقصای نقاط کشور و حتی گردشگران خارجی است و اکنون

نیز به‌عنوان قطب فرهنگی خرمشهر شناخته می‌شود.

### قلب تپنده شهر (مسجد جامع خرمشهر)

«مسجد سنگر است.» جمله به یاد ماندنی امام راحل. و مسجد خرمشهر، سنگر سنگرها بود. زیرا هنگامی که شهر زیر آتش دشمن بود، رزمندگانی که از این شهر دفاع می‌کردند در حقیقت از تمام ایران دفاع می‌کردند. این مسجد، قلب شهر بود؛ قلب تپنده شهر.

دشمن فهمیده بود که مسجد جامع قلب مقاومت است. و باید به هر قیمتی این مقاومت شکسته شود. یک گلوله توپ، گنبد مسجد را شکافت و در شیستان فرود آمد. خیلی‌ها شهید و مجروح شدند. اما مسجد به خون نشسته تا زمان اشغال کامل خرمشهر، همچنان سرپا و محکم ایستاده بود.

پس از اشغال شهر، باز هم مسجد جامع، مظهر همه آن آرزویی بود که جز در بازپس‌گیری شهر برآورده نمی‌شد. مسجد جامع، همه خرمشهر بود. همه ایران، مسجد جامع با تمام جراحاتش ایستاد تا اسطوره مقاومت مردم باشد تا روزی بار دیگر نوای نماز و صدای مناجات فرزندان را بشنوند. سوم خرداد ۶۱ خرمشهر، آزاد شد. رزمندگان داخل شهر شدند. مسجد جامع خوشحال بود! که فرزندان را در آغوش می‌گرفت. رزمنده‌ها در دیوار مسجد را می‌بوسیدند و گوشه‌ای ایستادند برای نماز شکر! امام در سخنرانی خود بعد از آزادسازی خرمشهر گفت «خرمشهر را جوانان ما آزاد نکردند. خرمشهر را خدا آزاد کرد».







این بازی بنا نهاده شده است. اروپایی‌ها در زمان صفویان در هند با این ورزش آشنا شده و آن را با خود به انگلستان بردند و گفته می‌شود بازی‌های گلف و هاکی برگرفته از بازی چوگان هستند. قابل توجه است که چوگان در آمریکای جنوبی از همه جای دنیا بیشتر بازی می‌شود و طرفداران بسیاری نیز دارد. اما این ورزش در ایران بعد از صفویان کم‌کم رو به فراموشی رفت و هیچ‌گاه مانند گذشته رواج نیافت. اما امروزه سعی شده توجه بیشتری به این ورزش نشان داده شود و فدراسیون چوگان جمهوری اسلامی سعی در گسترش این ورزش باستانی ایرانی دارد. چوگان بازی بی‌انگیزه‌ای نبوده است و کاملاً یک بازی استراتژیک است که آمادگی سوار و اسب را با هم نیاز دارد. سوار و اسب در بازی چوگان تمرین رزم می‌کرده‌اند. اسب وقتی مقابل مانعی قرار می‌گیرد، فرار می‌کند، اما اسب چوگان به سمت مانع رفته و خود را در شرایطی قرار می‌دهد که سوار، چوگان بزند. اسبی که خود را با شرایط چوگان باز در میدان تطبیق می‌دهد به راحتی در میدان جنگ نیز حضور می‌یابد. استانداردهایی که در این بازی در نظر گرفته می‌شوند زمین بازی، بازیکنان، اسب‌ها و ... را در برمی‌گیرند که برخی از آن‌ها به شرح زیر هستند:

**زمین چوگان:** طول زمین چوگان ۲۷۴ متر و عرض آن ۱۴۵ متر است.

**تعداد بازیکنان:** در هر تیم چهار نفر بازی می‌کنند. نفر اول یک مهاجم است و کار او حمله و نیز کمک به مدافع است. نفر دوم نیز مهاجم است، ولی وظیفه او در دفاع مهم‌تر است. نفر سوم که معمولاً بهترین بازیکن تیم است، وظیفه دارد تا حرکات دفاعی را به ضد حمله تبدیل کند. نفر چهارم نیز مدافع است و وظیفه دارد توپ را از دروازه دور کند.

**اندازه چوب چوگان و توپ:** طول چوب چوگان ۱۲۹ سانتیمتر با انتهای استوانه‌ای است که از چوب بامبو یا چوب‌های سبک و مقاومی همچون چوب درخت خرمالو ساخته می‌شود. قطر توپ نیز حدود ۸/۲۵ سانتیمتر است و در حدود ۱۴۱-۱۲۷ گرم وزن دارد، جنس توپ از چوب بید و یا بامبو است.

**مدت مسابقه:** ۶ دوره زمانی (چوکه) که هر کدام ۷ دقیقه هستند (البته این استاندارد انگلستان است). در آمریکا و آرژانتین، ۸ دوره زمانی است که بین هر

از ورزش‌های کهن ایرانی است که امروزه به ورزشی جهانی تبدیل شده است. این رشته به دلیل رواج در میان پادشاهان و بزرگان به بازی شاهان معروف است. نام چوگان از نام چوبی که در آن استفاده می‌شود برگرفته شده است.

این بازی در ابتدا جنبه‌ای نظامی و جنگی داشت و سوارکاران ایرانی در آن استعداد اسب‌های جنگی خود را به نمایش می‌گذاشتند. ورزش چوگان امروزی از بازی چوگان ایرانی منشأ گرفته است. این بازی نزدیک به ۶۰۰ سال قبل از میلاد در زمان هخامنشیان در ایران شکل گرفت و سپس در سرزمین هند رواج یافت، ساسانیان نیز این بازی را انجام می‌دادند. این ورزش در دوره صفویه به شکوفایی رسید و گفته شده که شاه عباس صفوی چوگان‌باز ماهری بوده است. در این دوره، میدان نقش جهان اصفهان هم برای



**اسب‌های چوگان:** در ورزش چوگان معمولاً از اسب‌های کوتاه‌قد استفاده می‌شود، بدین منظور اسبچه‌ها از جایگاه ویژه‌ای برخوردارند. در یک بازی معمولاً از یک اسب حداکثر در دو چوکه استفاده می‌شود، البته باید بین آن‌ها یک چوکه استراحت به اسب داده شود.

حمیدرضا والیانی



دو چوکه ۳ دقیقه استراحت و بین دو نیمه هم ۵ دقیقه در نظر گرفته شده است.

**هدف این بازی:** فرستادن توپ در دروازه حریف می‌باشد. هنگامی که توپ از پشت دروازه خارج می‌شود، پرتاب توپ به تیم مورد حمله قرار گرفته تعلق می‌گیرد، مگر این که خود این تیم باعث خارج شدن آن شده باشد. در این صورت به تیم مقابل یک پرتاب آزاد (از ۸۴ متری محل خروج) تعلق می‌گیرد. پس از هر گل، دو تیم زمین خود را تعویض می‌کنند و داور توپ را در مرکز زمین قرار می‌دهد. در صورتی که دو تیم برابر شوند، وقت اضافی به آن‌ها تعلق می‌گیرد و اولین تیمی که گل بزند برنده اعلام می‌شود. هنگامی که بازیکنی به سمت جهتی که توپ در آن پرتاب شده است می‌تازد،

تقدم با اوست در صورتی که (و تنها

در این صورت) که توپ در سمت

راست او باشد. در این صورت

هیچ بازیکنی اجازه ندارد راه

او را سد کند، مگر آن که در

فاصله معقولی قرار گیرد که

هیچ جای خطر نباشد.

**شروع مسابقه:** در ابتدای

شروع مسابقه، هر دو تیم در میانه

زمین و پشت خط میانی صف‌آرایی

کرده و چیدمان مخصوص به خود را

می‌گیرند. سپس داور توپ را از فاصله ۴/۶ متری

به میان آن‌ها پرتاب می‌کند و بازی با تصاحب توپ

از طرف یکی از دو تیم شروع می‌شود.

امتیاز: هنگام گذشتن توپ از خط دروازه، برای تیم‌ها

امتیاز ثبت می‌شود.

**توقف مسابقه چوگان:** در شرایط معمولی فقط

در زمان پایان یک چوکه، جهت استراحت و تعویض

اسب‌ها صورت می‌گیرد، ولی اگر در میان یک

چوکه یکی از اتفاقات زیر رخ دهد داور می‌تواند

دستور توقف بازی را صادر نماید:

- زمین خوردن یکی از اسب‌ها در حین مسابقه.

- مصدوم شدن یک اسب بر اثر سانحه و یا اتفاقی

غیر منتظره برای یکی از اسب‌ها (در صورت زمین

خوردن سوار کار از اسب به طوری که اتفاق جدی

برای سوار کار رخ نداده باشد، بازی همچنان ادامه

خواهد داشت).



از مجموعه نمایشگاهی آسیب‌های ماهواره  
اثر مریم یاری

زیاده روی در بازی  
های رایانه ای و  
تماشای برنامه‌های  
تلویزیون مانع رشد  
جسمی نوجوانان و  
موجب آسیب‌های  
جسمانی است

داستان مصور





کتاب‌های خوب بهترین  
دوستان ما هستند.  
برنامه‌های ناسالم  
ماهواره نباید بین ما  
و بهترین دوستانمان  
جدایی بیاندازند





استفاده و وابستگی  
به ابزارهای دیجیتال  
باید به اندازه و نحوی  
باشد که از کارایی  
هوش و ذهن ما  
کاسته نشود





غفلت والدین از  
فرزندان در اثر استفاده  
بی‌رویه از برنامه‌های  
تلویزیونی آثار تربیتی  
تلخی بر روی نوجوانان  
آن‌ها دارد







مختلف شرکت کنند و در هر زمان که از سوی فرماندهی به آنها ماموریتی محول می‌شود بلافاصله همه تیم متشکل از همکاران فنی و خلبانان برای آماده‌سازی پرواز و سپس انجام عملیات آماده و روانه می‌شوند.

هر یک از قسمت‌های مختلف این انیمیشن جذاب با عناوین مختلف تهیه شده که معرف عملیات مختلفی است که طی سال‌های جنگ توسط خلبانان هوانیروز انجام می‌شدند؛ از عملیات شناسایی و انهدام تانک‌ها و مواضع دشمن، شناسایی پایگاه‌های مخفی و مناق استراتژیک دشمن، آزادسازی و نجات افراد دستگیرشده‌ای که اطلاعات آن‌ها نقش کلیدی در پیروزی رزمندگان داشت تا حفاظت از منابع و سکویهای نفتی ایران، از نکات قابل توجه این مجموعه، توجه به جزئیات حرکات و اموری

شجاعان نام یک مجموعه انیمیشن چهل قسمتی درباره خلبانان شجاع به کارگردانی سیاوش زرین‌آبادی و تهیه‌کنندگی علیرضا گلپایگانی است. نویسنده مجموعه سیاوش زرین‌آبادی و دانش گیتی، سفارش‌دهنده، مرکز پویانمایی صبا و زمان آن مربوط به دوران جنگ تحمیلی و مکان نیز مناطق جنگی داخل و خارج از خاک ایران است که با تکنیک سه‌بعدی کامپیوتری ساخته شده. در این مجموعه یک تیم از خلبانان هوانیروز تصویر شده‌اند که هسته اصلی تیم را چهار خلبان با تخصص‌های گوناگون هلیکوپتر جنگی، هلیکوپتر شناسایی، هلیکوپتر امداد و یک متخصص فنی هلیکوپتر تشکیل می‌دهند. این افراد در یک پایگاه هوانیروز در حالت آماده‌باش به سر می‌برند تا در مواقع اضطرار در عملیات

# انیمیشن شجاعان

نگاهی به پویانمایی‌های موفق ایرانی

صبا سلطانی







هوانیروز در کشور فعالیت بسیاری داشت و با شروع جنگ بلافاصله به مناطق جنگی رفته و در عملیات شناسایی و نظامی بسیاری شرکت کرد و در روز ۹ مهرماه سال ۱۳۵۹ به شهادت رسید.

علاوه بر ایشان، خلبانان دیگری نیز در این دوران با رشادتها و شهامت خود حضور پررنگ داشتند و به‌طور کلی نقش هوانیروز ایران به‌عنوان یکی از یگان‌های ارتش جمهوری اسلامی در دوران جنگ بسیار ستودنی بود. حضور هوانیروز در مقابله با ارتش عراق و حماسه‌آفرینی آن در فتوحات دفاع مقدس همواره مورد تمجید بوده است. در این دوران بسیاری از خلبانان هوانیروز به شهادت رسیدند تا با شهادت خویش برگی دیگر از افتخارات را به سرزمین ایران هدیه کنند و این سرزمین را حفظ کنند.

اعتقاد خود از کشور و مردم دفاع کردند.

این خلبانان هر کدام مظهر مقاومت و اندیشه و رفتارهای نیکوی انسانی هستند که در این مجموعه در موقعیت‌های خطیر مختلفی قرار می‌گیرند و آزمایش‌های فکری، اخلاقی و عملی و نظامی گوناگون را با موفقیت پشت سر می‌گذارند و بر مشکلات شخصی و موانع جنگی با سعی و همت غلبه می‌کنند. از شخصیت‌های این مجموعه می‌توان به منصور میهن‌دوست اشاره کرد که یادآور شهید منصور وطن‌پور از خلبانان شجاع و شهیر هوانیروز ایران است. شهید منصور وطن‌پور از اولین خلبانان کبرا بود که پس از گذراندن دوره‌های تکاوری، عملیات ویژه و خلبانی و بازگشت به ایران در تدریس و همچنین ساماندهی پایگاه‌های

است که توسط افراد انجام شده و مخاطب را به‌عنوان مثال با نحوه پرواز، آماده‌سازی هلیکوپتر برای انجام عملیات، نوع هلیکوپترها و تجهیزاتی که مورد استفاده قرار می‌گرفتند آشنا می‌کند. همچنین خلبانان شجاع و متبحری که در این انیمیشن تصویر شده‌اند به نحوی نمایش‌دهنده کلیه تخصص‌های خلبانان شجاع و فداکار هوانیروز است که هر کدام با جانفشانی و رشادت خود از میهن دفاع کردند و در کنار این دل‌آوری‌ها با راه‌کارهایی که برای مسایل شخصی‌تر ارایه می‌دهند، نمونه و مثال درس‌های اخلاقی و تربیتی هستند. چنان که به گفته کارگردان این مجموعه تصویرگر فداکاری‌ها، شجاعت‌ها و رشادت‌های خلبانان هوانیروز است که جانانه جنگیدند و در راه





## سعدی شیرازی



### درویش مستجاب الدعوه

درویشی مستجاب الدعوه، در بغداد پدید آمد.

حجاج پوسف را خبر کردند، بخواندش و گفت: دعای خیر بر من بکن.  
گفت: خدا با جاننش بستان!  
گفت: از بهر خدای، این چه دعاست؟  
گفت: این دعای خیر است تو را و جمله مسلمانان را!

### دو شاهزاده

دو شاهزاده در مصر بودند، یکی علم اندوخت و دیگری مال اندوخت.  
عاقبت الامر آن یکی علامه عصر گشت و این یکی سلطان مصر شد. پس آن توانگر با چشم حقارت در فقیه نظر کرد و گفت: من به سلطنت رسیدم و تو همچنان در مسکنت بهماندی.  
گفت: ای برادر، شکر نعمت حضرت باری تعالی بر من واجب است که میراث پیغمبران یافتم و تو میراث فرعون و هامون. که در حدیث نبوی (ص) آمده: العلماء ورثة الانبياء

من آن مورم که در پایم بهالند  
نه زنبورم که از دستم بنالند  
کجا خود شکر این نعمت گزارم  
که زور مردم آزار کی ندارم؟

### فاضلترین عبادت

یکی از ملوک بی انصاف، یار سابی را پرسید: از عبادت‌ها کدام فاضلتر است؟  
گفت: تو را خواب نپمروز تا در آن یک نفس خلق را نیازاری!

بهنام صادقی  
بر گرفته از کتاب: گفتار طرب انگیز  
(طنز سعدی در گلستان و بوستان)  
نوشته عمران صلاحی



## عبيد زاکانی



### سئملار کوناه فرد

مردی کوناه قامت نزد انوشیروان آمد و از ظلمی که بر او رفته بود، شکایت کرد. انوشیروان گفت: «در این دنیا کسی نمی تواند بر کوناه فامندان سئم کند.» مرد گفت: «ای پادشاه، آن کسی که بر من سئم کرده است، از من کوناه تر است!» انوشیروان خندید و از او دلجویی کرد.

### باد آورده را باد می برد!

مردی جامه ای بدزدید و به بازار برد تا بفروشد. جامه را از او دزدیدند. او پرسیدند: «جامه را چند فروختی؟» گفت: «به همان قیمتی که خریده بودم!»

### نوصبه

سلطان محمود در زمستانی سرد به طلخک گفت: «تو چگونه با این لباس نازک سرما را تحمل می کنی؟ در حالی که من با این همه لباس می لرزم؟» گفت: «ای پادشاه، تو هم کاری را که من کرده ام بکن تا نلرزی!» سلطان گفت: «مگر تو چکار کرده ای؟» گفت: «من هر چه لباس داشتم بر تن کرده ام!»

فرید افتخاری  
بر گرفته از  
رساله دلشاه،  
عبيد زاکانی

### اماننداری!

مردی اسبی لاغر داشت. به او گفتند: «چرا این حیوان را جو نمی دهی؟» گفت: «هر شب ده من جو می خورد!» گفتند: «پس چرا اینقدر لاغر است؟» گفت: «یک ماه است که سهیم او بیش من به امانت است!»

### سنگ و سیر

مردی با سیری بزرگ به جنگ با دشمن رفته بود. از فضا، شخصی سنگی بر سرش زد و او را زخمی کرد. مرد بسیار ناراحت شد و گفت: «ای مرد! مگر سیری به این بزرگی را نمی بینی و سنگ بر سر من می زنی؟!»



# سودوکو (数独)



سودوکو، مخفف یک عبارت ژاپنی است که خوانده می‌شود سوچی واکوشین نی کاگیرو به معنی «ارقام باید تنها باشند» است.

## تاریخچه بازی

اولین جدول‌های امروزی را شخصی به نام Garns در سال ۱۹۷۹ در مجله Dell Pencil Puzzle به چاپ رساند. این سرگرمی در ابتدا Number Place نام داشت که معنای فارسی آن جایگذاری اعداد است. سپس در سال ۱۹۸۴ شرکت نیکولی این سرگرمی را در مجله Dell پیدا کرد و آن را وارد مجله خود کرد و همان عبارت ژاپنی «سوچی واکوشین نی کاگیرو» را برای آن‌ها به کار برد. در سال ۱۹۶۹ جدول پیشرفت کرد و تبدیل به مهمترین سرگرمی ژاپنی‌ها شد. اما مشکل اصلی طولانی بودن نام برای این معما باقی بود. تا این که کاجی ماکی (Kaji Maki) رییس شرکت نیکولی، جمله «سوچی واکوشین نی کاگیرو» را مخفف کرد و واژه Sudoku (همان سودوکو) را از آن استخراج کرد. به همین دلیل است که سودوکو را یک سرگرمی ژاپنی می‌نامند.

تقسیم شده است. خطوط پرنگی که دور این مربع های ۳×۳ کشیده می‌شود، آنها را در جدول متمایز می‌کند. در هر جدول سودوکو، چند خانه آن از ابتدا توسط اعدادی پر شده است. این اعداد را در اصطلاح سودوکو، اعداد اولیه یا نشانه‌های جدول سودوکو می‌گویند. جدول‌های سودوکو معمولاً بین ۱۷ تا ۳۰ عدد اولیه دارند.

## بنابراین باید:

- در هر سطر جدول اعداد ۱ الی ۹ بدون تکرار قرار گیرد.
- در هر ستون جدول اعداد ۱ الی ۹ بدون تکرار قرار گیرد.
- در هر ناحیه ۳×۳ جدول اعداد ۱ الی ۹ بدون تکرار قرار گیرد.

وقت آن رسیده که شما جدول سودوکو را با استفاده از قوانین اصلی و راه کارهای شخصی خودتان و البته تجربیات دیگران حل کنید! ستون یا سطر راهنما هم فراموش نشود. ستون یا سطری که بیشترین تعداد از اعداد را در خود دارند بهترین راهنماها هستند. الزامات بازی هم فراموش نشوند: استدلال منطقی و خوب دیدن اعداد!

|   |   |   |   |   |   |   |   |   |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| ۸ |   | ۶ |   |   |   | ۱ |   |   |
|   |   |   | ۶ |   |   |   |   |   |
|   | ۵ | ۳ |   |   | ۴ | ۸ |   | ۶ |
| ۷ |   | ۴ | ۸ |   |   | ۶ | ۳ |   |
|   |   |   |   |   |   |   | ۹ |   |
| ۱ |   |   | ۵ |   |   | ۴ |   |   |
|   |   | ۱ | ۲ |   |   | ۷ |   | ۹ |
| ۲ |   |   |   |   | ۶ |   |   |   |
|   | ۷ |   |   | ۱ |   |   | ۸ |   |

## قانون بازی

جدول سودوکو دارای انواع و اقسام بی‌شماری است اما نوع متداول سودوکو که به نام سودوکوی معمولی، استاندارد یا کلاسیک (Classic Sudoku) معروف است، مربعی ۸۱ خانه‌ای است که شامل ۹ سطر و ۹ ستون است. علاوه بر آن، این مربع بزرگ ۸۱ خانه‌ای خود به ۹ مربع کوچکتر ۳×۳



در جدول، اسامی چند شهر کشور ایران با حروف درهم‌ریخته آورده شده‌اند.  
با مرتب کردن اسامی شهرها در جدول، در ستون یک عمودی نام یکی از نوابغ  
کشور به دست خواهد آمد.

|   |   |   |  |  |   |  |    |
|---|---|---|--|--|---|--|----|
| ک |   |   |  |  | ن |  | ۱  |
| ن |   |   |  |  | ر |  | ۲  |
|   | ن |   |  |  | ر |  | ۳  |
| د |   |   |  |  | ل |  | ۴  |
| ن |   |   |  |  | ا |  | ۵  |
|   |   | ج |  |  | ا |  | ۶  |
| د |   |   |  |  | و |  | ۷  |
|   |   |   |  |  | ز |  | ۸  |
| ر |   |   |  |  | ی |  | ۹  |
| ن |   |   |  |  | س |  | ۱۰ |

- ۱- شکم‌ن‌ادی
- ۲- چاربن‌زا
- ۳- ن‌می‌وار
- ۴- بل‌ای‌اعد
- ۵- چانه‌ی‌لا
- ۶- ج‌ی‌اس‌و
- ۷- س‌ن‌گ‌رس‌ود
- ۸- د‌زی
- ۹- ش‌ب‌ی‌ن‌ی‌ارو
- ۱۰- س‌ف‌ی‌ران‌ا

منبع جدول:  
vania-vasegh.blogfa.com





برگرفته از کلیله و دمنه

## دوستان در روز سختی شناخته می شوند

حمیدرضا سلیمی

کرد و موش نیز به سوراخی خواهد رفت. اما تو نه توان مقاومت داری و نه می توانی فرار کنی. سنگ پشت گفت: «دوستان در روز سختی شناخته می شوند و زندگی بدون دوست لطفی ندارد.» سنگ پشت در همین سخن بود که ناگهان شکارچی از راه رسید. آهو جهید، کلاغ پرید و موش هم در سوراخی پنهان شد. شکارچی سنگ پشت را گرفت و در توبره انداخت. کلاغ و آهو و موش وقتی آن را دیدند، به فکر فرو رفتند. موش به آهو گفت که تنها چاره این است که تو خود را بر سر راه شکارچی بیاندازی و وانمود کنی زخمی هستی و کلاغ هم در کنار تو بنشیند تا شکارچی فکر کند کلاغ می خواهد تو را بخورد. پس توبره خود را رها می کند و به سوی تو می آید. در آن هنگام تو فرار کن اما به آرامی تا که از گرفتن تو ناامید نشود و سپس من بندهای توبره را خواهم برید. آن ها با این نیرنگ توانستند سنگ پشت را نیز آزاد کنند.

شکارچی که از گرفتن آهو ناامید شده بود بر سر توبره خود بازگشت و بندهای توبره را بریده دید و سنگ پشت را نیافت. شگفت زده شد و هر چه زودتر از آن سرزمین دور شد.

در روزگاری، موشی بود که نامش زیرک بود. زیرک با کلاغ، سنگ پشت و یک آهو دوست شده بود و روز و شب را در کنار یکدیگر به شادی و آرامش زندگی می کردند. در یکی از روزها، همچنان که زاغ و زیرک و سنگ پشت به انتظار آهو نشسته بودند تا او را ببینند، آهو نیامد و آن ها برایش نگران شدند. موش و سنگ پشت از کلاغ خواستند تا پرواز کند و از آن بالا آهو را جستجو کند. کلاغ پرواز کرد و ناگهان آهو را در دام شکارچیان گرفتار دید. بازگشت و موش و سنگ پشت را نیز مطلع کرد. کلاغ و سنگ پشت به موش گفتند ما تنها به تو امیدواریم، فکری بکن و چاره ای بیاندیش تا کار از کار نگذشته است.

زیرک با شتاب خودش را به آهو رساند و از او پرسید با این همه چالاکی چگونه در دام شکارچیان افتاده است. آهو هم گفت که در برابر تقدیر، باهوشی و زیرکی سودی ندارد. در این هنگام، سنگ پشت نیز از راه رسید و آهو به سنگ پشت گفت: ای برادر، آمدن تو به اینجا برای من از این دام دردناک تر است. زیرا اگر شکارچی به اینجا بیاید می بیند موش بندهای من را باز کرده و من گریخته ام و کلاغ نیز به هوا پرواز خواهد





## جای خدا

شعر از:  
لقمان دهقانی رحیم آبادی

باز خالی شده است  
در دلم جای خدا  
ای خدا جان تو بگو  
دل من هست کجا؟

از چه لبخند تو  
در دلم پیدا نیست  
من چرا غمگینم  
شب چرا زیبا نیست

بی تو می لغزد پا  
بی تو می لرزد دست  
یاد آن وقت به خیر  
با تو بودم در بست

ای خدا باز دلم  
با دلت یکدله کن  
جان من را خالی  
از غم و فاصله کن

## ای خدا

ای خدا گره بزن  
قلب من به آسمان  
با ضریح ماه نو  
با گل ستارگان

زایری که مانده است  
پشت کهکشان منم  
در هوای نام تو  
موج بی نشان منم

یک شبی مرا ببر  
با خیال خود به اوج  
تا شکوه کهکشان  
تا ترانه های موج

دست مهربان تو  
فرصت جوانه است  
زایر دل مرا  
کعبه ی بهانه است





# وضو، آدمک حسی و نوروفیزیولوژیست‌ها

فرهنگ تیموری

از دیرباز، شستن دست و صورت به‌طور طبیعی و در ادیان مختلف در برنامه روزانه انسان‌ها وجود داشته اما انجام آن با حفظ شرایط از نظر اسلام با دیگر مکاتب دینی تفاوت دارد.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ وَامْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، چون به (عزم) نماز برخیزند، صورت و دست‌هایتان را تا آرنج بشوید و سر و پاهای خودتان را تا برآمدگی پیشین (هردوپا) مسح کنید(مائده / آیه ۶).

وقتی که ما روزی چندبار برای نماز وضو می‌گیریم، گذشته از زدودن آلودگی، به اعصاب و کل عضلات بدن آرامش می‌دهیم و خستگی و کسالتی را که در اثر کار روزانه و سستی خواب به ما دست می‌دهد، از بین می‌بریم و به چهره خود نشاط و روشنایی و شادابی می‌بخشیم و خود را آماده زدودن آلودگی‌های روحی و قلبی می‌کنیم.

وضو باعث طهارت و نورانیت باطن انسان شده و حالتی معنوی در انسان ایجاد می‌کند که سبب نشاط و شادابی روح می‌گردد و از نظر معنوی، چون با قصد قربت و برای خدا انجام می‌شود اثر تربیتی دارد. افزون بر این که وضو آثار خواب و کسالت را از بین می‌برد و قلب را برای قیام در پیشگاه خدا نور و صفا می‌بخشد. یکی از جالب‌ترین شاخه‌های فیزیولوژی، نوروفیزیولوژی می‌باشد که در واقع به مطالعه سیستم عصبی می‌پردازد و همان طور که می‌دانیم سیستم عصبی از نظر وسعت و پیچیدگی اعمال کنترلی که انجام می‌دهد، منحصر به فرد است.

این سیستم، میلیون‌ها قطعه خبر را از اندام‌های حسی مختلف دریافت و سپس تمام این اطلاعات را با هم جمع ساخته تا جوابی را که باید توسط بدن داده شود، تعیین کند.

دانشمندان با مقایسه سیستم عصبی مغز انسان با کامپیوتر به اصطلاح «آدمک حسی» در مغز (این

آدمک حسی در سال ۱۹۵۴ میلادی یعنی مدود ۵۰ سال قبل شناخته شد؛ اما غافل از این که قرن‌ها قبل از این کشف بزرگ، پیامبر گرامی اسلام (صلی‌الله علیه و آله و سلم) از آن مطلع بوده‌اند. ایشان می‌فرمایند: هر کس به هنگام وضو ذکر خدا بگوید: تمام بدن او پاک گردیده است.







اصطلاح اولین بار در سال ۱۹۵۴ میلادی شناخته شد و می‌توان آن را متناظر با خود انسان در نظر گرفت) اشاره می‌کنند. حال، این سؤال پیش می‌آید که این آدمک چیست و اصولاً چه ارتباطی میان آن و وضو نهفته است؟

کنترل حواس و حرکات قسمت‌های مختلف بدن، در نواحی مخصوصی از قشر مغز متمرکز است. اگر نقشه قشر مغز را تصور کنیم، نشان می‌دهد که مغز انسان به حدود ۵ ناحیه مجزا موسوم به نواحی «برودمن» براساس اختلافات ساختمان بافتی تقسیم شده است و اهمیت آن بسیار زیاد است. ارتباط آدمک حسی مغز با وضو

با بررسی این آدمک، متوجه می‌شویم پاره‌ای از مناطق بدن به وسیله نواحی بزرگی از قشر حسی نشان داده می‌شوند؛ طوری که لب‌ها بزرگ‌ترین ناحیه را اشغال می‌کنند و بعد از آن‌ها صورت و انگشت شصت دست قرار دارند؛ درحالی که سراسر تنه و قسمت‌های تحتانی بدن بوسیله نواحی نسبتاً کوچکی نشان داده می‌شوند.

جالب این که، وسعت این نواحی نسبت مستقیم با تعداد گیرنده‌های حسی تخصص یافته در ناحیه محیطی مربوطه بدن دارد. به عنوان مثال، تعداد زیادی انتهاهای عصبی تخصص عمل یافته در لب‌ها و شست یافت می‌شوند؛ درحالی که فقط معدودی گیرنده در پوست تنه وجود دارند.

بنابراین، با توجه به نقشه آدمک حسی، روشن است که وقتی در جریان وضو، داخل دهان، صورت، ساعدها، کف دست‌ها، جلوی سر و روی پاهای آدمک حسی تحریک شوند؛ قسمت اعظم قشر حسی تحریک می‌شود و هوشیاری به سطح بالایی می‌رسد؛ درحالی که فقط چیزی حدود ۲۰ درصد از سطح بدن مرطوب شده است و اگر شخص به جای وضو، کل بدن خود (یعنی ۵ برابر مساحت وضو) را می‌شست، چیز زیادی بر تحریک ناشی از وضو، افزوده نمی‌شد. به عبارت دیگر اگر برنامه وضو به گونه فعلی نبود و مناطق دیگری از بدن شسته می‌شدند؛ چنین اثری به دست نمی‌آمد.

وضو با مرطوب کردن ۲۰ درصد از سطح بدن، تقریباً کار مرطوب کردن تمام بدن را انجام می‌دهد و این موضوع واقعاً یک معجزه است؛ یعنی ۲۰ درصد در مقابل ۸۰ درصد!

منابع

۱. کریمی یزدی، حسن و دیگران (۱۳۹۰) اسرار علمی وضو از دیدگاه بهداشتی و پزشکی. مجله دانشگاه علوم پزشکی قم. صص ۷۴-۸۰.

۲. پرفسور آرتور گایتون، فیزیولوژی پزشکی، ترجمه دکتر فرخ شادان، انتشارات شرکت سهامی چاپ (تهران)، چاپ چهارم، تابستان ۱۳۷۳، ج ۲، ص ۱۱۱۷.

۳. Review of Medical physiology- William F. Ganong- prentice Hall International Inc. - Fifteenth edition- April, -۱۹۹۱ p.۱۲۶.



# معرفی غارهای دیدنی ایران

کیمیا محسنی



غار خفاش

غار خفاش به عنوان موزه طبیعی شگفت انگیز در نزدیکی شهر دهلران ایجاد شده است. میلیون ها خفاش در آن زندگی می کنند و به همین دلیل به نام غار خفاش معروف شده است. این غار از دوره تاریخی غارنشینی بوده و تبدیل به محل زندگی خفاش ها شده است. این غار، با وجود گونه ها و تعداد زیاد خفاش هایش از غارهای کمیاب در خاورمیانه محسوب می شود.



غار بیشاپور یا غار شاپور

این غار در انتهای تنگ چوگان و در چهار کیلومتری شهر بیشاپور در شهرستان کازرون وجود دارد که مهمترین پایتخت ساسانیان بوده است. در این دوره مجسمه بزرگی از شاپور در دهانه غار ساخته شده و به همین دلیل این غار به نام شاپور معروف شده است. این مجسمه از یک ستون بسیار بزرگ چکیده ساخته شده و هنوز هم پابرجاست و ارتفاع آن نیز ۷ متر است.



غار رود افشان

این غار در استان تهران و نزدیک به شهر فیروزکوه قرار گرفته است. تعداد زیادی ایوان سنگچین و همچنین خرده های سفال نشانه سکونت انسان قدیمی در این غار وجود دارد. هوای غار رود افشان نمناک و سرد است و در تالار اصلی و در حقیقت مسیر غار همواره قطرات آب به زمین می ریزند و در این مسیر، طاق دیس و ناودیس های زیبایی خلق شده اند.





### غار آبی سهولان

این غار در روستای سهولان در نزدیک شهر بوکان در استان آذربایجان غربی واقع شده است. سهولان به زبان کردی یعنی یخبندان و همچنین نام دیگر آن «کونه کوتر» یا لانه کبوتر است چون تعداد زیادی کبوتر در غار زندگی می‌کنند.



### غار آبی قوری قلعه

این غار بزرگ‌ترین غار خاورمیانه است و حدود ۶۵ میلیون سال قدمت دارد. غار قوری قلعه یا قوری‌قلا در استان کرمانشاه قرار دارد. ۱۲ کیلومتر درازا و ۳۱۴۰ متر عمق دارد و جزو یکی از هفت اثر طبیعی ملی ایران به ثبت رسیده است.



### غار یخ مراد

غار یخ مراد در استان البرز نزدیک روستایی به نام آزادبر از توابع شهر کرج واقع شده است. در گذشته، بیماران این منطقه اعتقاد داشتند یخ موجود در آن تأثیری درمانی دارد و با خوردن یخ دائمی دریاچه‌ای که در انتهای غار است و هیچ‌وقت هم ذوب نمی‌شود، بهبود می‌یافته‌اند. به همین دلیل نام این غار را یخ مراد گذاشته‌اند.



### غار دوشه

غار دوشه در شهرستان دوره در استان لرستان دارای قدمت بیش از ۸ هزار سال است که نقاشی‌های انسان‌های اولیه بر روی آن کشیده شده است. وجود این غار سابقه دیوارنگاری در ایران را به دوران نوسنگی می‌رساند. برای دسترسی به این غار باید به صورت پیاده مسیر دسترسی را پیمود. مهمترین دلیل ماندگاری نقوش غار دوشه دور ماندن غار از عوارض طبیعی است.



### غار علیصدر

این غار از دسته غارهای ایرانی و بزرگ‌ترین غار آبی جهان است. این غار در استان همدان واقع شده و دالان‌های پیچ در پیچ بسیاری دارد که فقط با قایق می‌توان به عمق و ژرفای آن رفت. طاقدیس‌ها و ناودیس‌های بسیار جالب این غار شکل‌های متنوعی را ایجاد کرده‌اند و از جاذبه‌های گردشگری غارهای ایرانی هستند.



### غار یخی چما

غار یخی چما در استان چهارمحال و بختیاری نزدیک شهرستان کوهرنگ قرار دارد. ارتفاع برف‌ها در این غار بسیار زیاد است و انباشته شدن برف‌ها در چندین سال باعث شده توده‌های بزرگ برف در غار وجود داشته باشند. این غار بزرگ‌ترین منبع آب شیرین ایران نیز هست چون آب یخ‌های این غار چشمه کوهرنگ را می‌سازند.



# دانشمند ایرانی، حکیم عمر بن ابراهیم خیام نیشابوری

حکیم عمر خیام نیشابوری در قرن پنجم در شهر نیشابور متولد شد. در آن هنگام، سلجوقیان بر شرق ایران حکومت می‌کردند. او در همان شهر به آموختن علم مشغول شد و در جوانی در فلسفه و ریاضیات به استادی رسید.

در سن ۲۲ سالگی به سمرقند رفت و تحت حمایت ابوطاهر عبدالرحمن بن احمد اثر برجسته خود را با موضوع جبر تألیف کرد. پس از آن به اصفهان رفت و ۱۸ سال در آنجا زندگی کرد. در اصفهان با حمایت‌های ملک‌شاه سلجوقی و وزیرش نظام الملک، به همراه جمعی از دانشمندان و ریاضیدانان معروف زمان خود، در رصدخانه‌ای که به دستور ملک‌شاه تأسیس شده بود، به انجام تحقیقات نجومی پرداخت. حاصل این تحقیقات اصلاح تقویم رایج در آن زمان و تنظیم تقویم جلالی (لقب سلطان ملک‌شاه سلجوقی) بود. در تقویم جلالی، سال شمسی تقریباً برابر با ۳۶۵ روز و ۵ ساعت و ۴۸ دقیقه و ۴۵ ثانیه است. سال دوازده ماه دارد ۶ ماه نخست هر ماه ۳۱ روز و ۵ ماه بعد هر ماه ۳۰ روز و ماه آخر ۲۹ روز است هر چهارسال، یکسال را کیسه می‌نامند که ماه آخر آن ۳۰ روز است و آن سال ۳۶۶ روز می‌شود.

بعد از این که نظام‌الملک و بعد از او ملک‌شاه کشته شدند، آشوب‌های بسیاری در گرفت و مسایل علمی و فرهنگی اهمیت خود را از دست دادند. عدم توجه به امور علمی، دانشمندان و رصدخانه باعث شد خیام به خراسان برود و باقی عمر خود را در شهرهای مهم خراسان به‌ویژه نیشابور و مرو بگذراند. بیشتر کارهای علمی خیام پس از بازگشت از اصفهان، در شهر مرو صورت گرفت چرا که این شهر در آن زمان از مراکز مهم علمی و فرهنگی جهان به‌شمار می‌رفت و دانشمندان زیادی در آنجا حضور داشتند.

خیام برای نخستین بار در تاریخ ریاضی معادله‌های درجه اول تا سوم را دسته‌بندی کرد و با استفاده از ترسیمات هندسی توانست برای تمامی آن‌ها راه‌حل ارایه دهد. خیام تقریباً چهار قرن قبل از دکارت توانست به یکی از مهمترین دستاوردهای بشری در تاریخ جبر بلکه علوم دست یابد و راه‌حلی را که دکارت بعدها (به صورت کامل‌تر) بیان کرد، پیش نهد.

خیام توانست تعریفی از عدد به‌عنوان کمیتی پیوسته به دست دهد و در واقع برای نخستین بار عدد مثبت حقیقی را تعریف کند و سرانجام به این حکم برسد که از نظر ریاضی، می‌توان هر مقداری را به بی‌نهایت بخش تقسیم کرد. همچنین خیام ضمن جستجوی راهی برای اثبات «اصل توازی» (اصل پنجم مقاله اول اصول اقلیدس) مبتکر مفهوم عمیقی در هندسه





آثار دیگر را نام برد و البته سبب شهرت وی مجموعه رباعیات خیام است که شهرت ادبی وی را به همراه داشته است. جالب است بدانیم شهرت و اعتبار این ادیب دانشمند نزد جهانیان به قدری است که نام یکی از حفره‌های ماه به افتخار او به نام «عمر خیام» نامیده شده است. سیارک شماره ۳۰۹۵ که در سال ۱۹۸۰ کشف شد، به نام خیام نامگذاری شده، فیلم عمر خیام در سال ۱۹۵۶ ساخته شده، شخصیت اصلی بسیاری از داستان‌های ایرانی است و یا آثاری ادبی و هنری از شخصیت و اشعار وی الهام گرفته‌اند. روز ۲۸ اردیبهشت را در ایران روز بزرگداشت خیام می‌نامند. حکیم عمر خیام پس از عمری پربار سرانجام در سال ۵۱۷ هجری (طبق گفته اغلب منابع) در موطن خویش نیشابور به جاودانگی پیوست و با وفات او یکی از درخشان‌ترین صفحات تاریخ اندیشه در ایران بسته شد. مقبره‌اش اکنون در شهر نیشابور در باغی که آرامگاه امامزاده محروق در آن واقع است، قرار گرفته است.

مریم زندی

شد. در تلاشی برای اثبات این اصل، خیام گزاره‌هایی را بیان کرد که کاملاً مطابق گزاره‌هایی بود که چند قرن بعد توسط والیس و ساکری ریاضیدانان اروپایی بیان شد و راه را برای ظهور هندسه‌های ناقلیدسی در قرن نوزدهم هموار کرد. استعداد بسیار خیام سبب شد که وی در زمینه‌های دیگری از دانش نیز صاحب‌نظر باشد. از وی رساله‌های کوتاهی در زمینه‌هایی چون مکانیک، هیدرواستاتیک، هواشناسی، نظریه موسیقی و غیره نیز بر جای مانده است.

بیشترین شهرت خیام نیز در طی دو قرن اخیر در جهان به دلیل رباعیات اوست که نخستین بار توسط شاعری به نام فیتزجرالد به انگلیسی ترجمه و در دسترس جهانیان قرار گرفت و نام او را در ردیف چهار شاعر بزرگ جهان یعنی هومر، شکسپیر، دانته و گوته قرار داد.

از آثار خیام می‌توان میزان‌الحکمه (فیزیک)، لوازم‌المکنت (هواشناسی)، نوروزنامه (ادبی)، رساله فی‌البراهین علی مسایل الجبر و المقابله، القول علی اجناس التی بالاربعا (موسیقی) و





# مثنوی معنوی

تهیه کننده: روزان داوودی



## حکایت نخست دوستی خرس

اژدهایی خرسی را به چنگ آورده بود و می‌خواست او را بکشد و بخورد. خرس فریاد می‌کرد و کمک می‌خواست. پهلوانی رفت و خرس را از چنگ اژدها نجات داد. خرس وقتی مهربانی آن پهلوان را دید به پای پهلوان افتاد و گفت من خدمتگزار تو می‌شوم و هر جا بروی با تو می‌آیم. آن دو با هم رفتند تا این که به جایی رسیدند. پهلوان خسته بود و می‌خواست بخوابد. خرس گفت تو آسوده بخواب، من نگهبان تو هستم. مردی از آنجا می‌گذشت و از پهلوان پرسید این خرس با تو چه می‌کند؟ پهلوان گفت: من او را نجات داده‌ام و او دوست من شده است. مرد گفت: دل به دوستی خرس مده، که از هزار دشمن بدتر است. پهلوان گفت: این مرد حسود است. خرس دوست من است، من به او کمک کردم، او به من خیانت نمی‌کند. مرد گفت: دوستی و محبت ابلهان، آدم را می‌فریبد.

او را رها کن زیرا خطرناک است. پهلوان گفت: ای مرد، مرا رها کن، تو حسود هستی. مرد گفت: دل من می‌گوید که این خرس به تو زیان بزرگی می‌زند. پهلوان مرد را دور کرد و سخن او را گوش نکرد. مرد رفت. پهلوان خوابید. مگسی بر صورت او می‌نشست و خرس مگس را می‌زد. باز مگس می‌نشست. خرس چند بار مگس را زد اما مگس نمی‌رفت. خرس خشمناک شد و سنگ بزرگی از کوه برداشت و همین که مگس روی صورت پهلوان نشست، خرس آن سنگ بزرگ را بر صورت پهلوان زد و سر مرد را متلاشی کرد. مهر آدم نادان، مانند دوستی خرس است؛ دوستی و دشمنی او یکی است.

دشمن دانا بلندت می‌کند  
بر زمینت می‌زند نادان دوست



## حکایت دوم تشنه و چشمه

در باغی، چشمه‌ای بود و گرداگرد آن باغ را دیوارهای بلند احاطه کرده بودند. مردی تشنه از بالای دیوار با حسرت به آب چشمه نگاه می‌کرد. ناگهان، خشتی از دیوار جدا کرد و درون چشمه انداخت. آنقدر صدای آب برای مرد تشنه لذتبخش بود که به این کار ادامه داد، خشت‌ها را می‌کند و در آب می‌انداخت.



ناگهان آب فریاد زد: چه می‌کنی؟ چرا بر من خشت می‌زنی؟

مرد تشنه جواب داد: ای آب شیرین، این کار برای من دو فایده دارد. اول این که شنیدن صدای آب برای من تشنه مانند شنیدن صدای موسیقی است. مانند هدیه برای فقیر است، پیام آزادی برای زندانی و بوی خداوند است. فایده دوم این که هر خشتی که من بر تو می‌اندازم به آب شیرین نزدیک‌تر می‌شوم و دیوار نیز کوتاه‌تر می‌شود.

هر بار که خشتی از غرور خود برکنی، دیوار غرور کوتاه‌تر می‌شود و به آب حیات و حقیقت نزدیک‌تر می‌شوی. هر که تشنه‌تر باشد خشت‌ها را سریع‌تر می‌کند و خشت‌های بزرگتری را برمی‌دارد.

### حکایت سوم

## رومیان و چینیان (نقاشی و آینه)



نقاشان چینی و رومی در نزد پادشاهی بودند و هر یک از مهارت و استادی و هنر خود در نقاشی سخن می‌گفتند. هر کدام از این دو گروه ادعا داشتند که در هنر نقاشی برتر از دیگری هستند. پادشاه گفت شما را امتحان می‌کنم تا ببینم کدامیک برتر هستید. در میان خانه‌ای که دو دیوار روبرو داشت پرده‌ای کشیدند و نقاشان کار خود را آغاز کردند. چینی‌ها صدها نوع رنگ از پادشاه

خواستند و هر روز مواد و مصالح زیادی برای این نقاشی استفاده می‌کردند. در حالی که رومیان همچنان دیوار را صاف می‌کردند و مواد و مصالح یا رنگی از پادشاه طلب نمی‌کردند. بعد از چند روز صدای شادی چینی‌ها بلند شد و نقاشی خود را تمام کردند. آن‌ها پادشاه را برای دیدن نقاشی خود دعوت کردند. شاه نقاشی چینی‌ها را دید و شگفت‌زده شد. آنقدر نقش‌ها زیبا بودند که عقل را می‌ربودند. سپس رومی‌ها پادشاه را برای دیدن کار خود دعوت کردند. دیوار آن‌ها مانند آینه صاف بود. ناگهان رومی‌ها پرده میان خانه را کنار زدند، عکس نقاشی چینی‌ها در دیوار روبرو افتاد و زیبایی آن چندین برابر شد. به‌طوری که پادشاه درمانده بود که کدام نقاشی اصل است و کدام آینه.

صوفیان، همانند رومیان هستند. درس و مشق و کتابت ندارند، اما دل را از بدی‌ها و کینه‌ها پاک می‌کنند. سینه آن‌ها مانند آینه است؛ همه نقش‌ها را قبول می‌کند و بزرگ است. آینه تا ابد هر نقشی را نشان می‌دهد؛ خوب، بد، زشت، زیبا. آن‌ها صورت علم را کنار گذاشته‌اند و به مغز و حقیقت عالم دست یافته‌اند.

بی ز تکرار و کتاب و بی هنر  
رومیان آن صوفیانند ای پسر  
پاک ز آرزو و حرص و بخل و کینه‌ها  
لیک صیقل کرده‌اند آن سینه‌ها  
صورت بی منتها را قابل است  
آن صفای آینه، وصف دل است



## آداب ورود و اذن دخول

خواندن «اذن دخول» هنگام زیارت، یکی از آداب زیارت است. این اقتضای ادب است که بی‌اجازه وارد حریم حرم نشویم و با خواندن اذن ورود، هم ادبی احترام کنیم، هم دل را آماده‌تر سازیم. بهتر است زائر، بر درگاه حرم بایستد، دعا کند و اذن بطلبد و اگر در دل خود خشوعی احساس کرد و رقت قلب حاصل شد، وارد شود، و گر نه بهتر است که برای ورود، زمان دیگری را انتخاب کند تا رقت قلب و خشوع حاصل شود، حضور قلب مهم‌تر از ورود به حرم است. در صورت داشتن حضور قلب، انسان از رحمت نازل شده از سوی خدا برخوردار خواهد شد.

دقت در متن «اذن دخول»‌های روایت شده، آموزنده‌ی نکاتی است که در افزایش ایمان و معرفت و توجه زائر به موقعیتی که در آن قرار دارد و کسی که به زیارتش آمده، مؤثر است. حضور در اماکن مقدس با توجه به این حقایق و معارف و فضایل، زمینه ساز فیض بیشتر در زیارت است.

در روایت است: هنگام زیارت حضرت رسول(س) و هر یک از معصومان: این گونه اذن دخول بخوان:

«اللهم انی وقفتُ علی باب من بیوت نبیک و آل نبیک...؛ خداوند! بر درگاه یکی از خانه‌های پیامبر و دودمان پیامبرت ایستاده‌ام. خدایا! مردم را از این که بی‌اجازه وارد خانه‌ی پیامبر شوند، منع کرده‌ای. من به حرمت پیامبرت در حال غیبتش مثل حال حضور و حیاتش عقیده مندم و می‌دانم که فرستادگان تو زنده اند و نزد تو روزی می‌برند، جایگاه مرا در اینجا و این لحظه می‌بینند و سخنم را می‌شنوند. پروردگارا! ابتدا از او اذن می‌طلبم، سپس از پیامبرت و از جانشین تو که اطاعتش بر من واجب است، اجازه می‌خواهم که در این لحظه وارد خانه اش شوم، از فرشتگان گماشته به این بارگاه مقدس هم اذن می‌طلبم. به اذن خدا و رسول و خلفی او و اذن همه شما وارد این خانه می‌شوم و جویای تقرب در پیشگاه خدایم.

در زیارت حضرت علی (ع) هم دعاها و اذن ورودهایی نقل شده، چه در هنگام ورود به نجف، چه وقت ورود به حرم، چه هنگام ایستادن در صحن و آستانه، چه وقت ورود به رواق. مضمون این دعاها و اجازه خواهی‌ها، اظهار ادب و درخواست اذن برای ورود به این مکان مقدس و حریم نورانی است و از آن امام به عنوان مولا، امیرمؤمنان، حجت خدا، امین پروردگار و ... یاد شده است تا زائر، قبل از زیارت بداند که در کجاست و به دیدار چه انسان کامل و حجت عظیمی آمده است.

هجدهم مرداد ماه  
روز تجلیل از امامزادگان و  
بقاع متبرکه است.  
به همین مناسبت دعا و  
آداب ورود و خروج به این  
اماکن متبرکه  
معرفی می‌شود

## آداب و ادعیه زیارت امامزادگان



## زیارت وداع و خداحافظی

از آداب زیارت، وداع در آخرین روز یا آخرین لحظات است. برای زائری که ایامی در جوار یک مرقد مقدس به سر برده و بارها به زیارت مشرف شده است، دل کندن از شهر محبوب دشوار است.

حسن و حال زائر هنگام وداع، باید به گونه ای باشد که دستاوردهای نفیسی از این زیارت برداشته و حال او بهتر از گذشته شده باشد و با انسی که به حرم و صاحب حرم پیدا کرده، وداع برایش مشکل باشد، ولی به هر حال خداحافظی هنگام برگشت، جزء آداب مسافرت و زیارت است و نشانی احترام به صاحب خانه و صاحب مرقد.

زائر وقتی زیارت خود را انجام داد و از نظر روحی اشباع شد، چه در مکه و مدینه باشد، چه در نجف و کربلا یا هر شهر زیارتی دیگر، خوب است که زود خداحافظی کند و برگردد، تا شوق و علاقه همچنان در دل بماند و زدگی و خستگی ایجاد نشود. این همان گسستن برای پیوستن دوباره است.

امام صادق(ع) درباره‌ی زیارت خانه‌ی خدا فرموده است: «إِذَا فَرَغْتَ مِنْ نُسُكِكَ فَارْجِعْ، فَإِنَّهُ أَشَوْقُ لَكَ إِلَى الرَّجُوعِ؛ وقتی از اعمال و عبادت هایت فارغ شدی، برگرد، تا شوق دوباره آمدن را در تو بیشتر کند».

ادب، اقتضا دارد که زائر پس از اتمام ایام زیارت، برای خداحافظی به حرم مشرف شود و ضمن سپاس، آرزوی خود را برای بازگشت دوباره اعلام کند و از خدا بخواهد و مستحب است که زیارت وداع نیز بخواند.

از سیره معصومان نمونه‌هایی از ادعیه وداع نقل شده است؛ مانند وداع حضرت صادق(ع)، حضرت کاظم(ع)، حضرت هادی(ع): که همراه با حالت خاشعانه، سر به سجده گذاشتن، سجده‌های طولانی، نماز و دعای ویژه بوده است.

از خواسته‌های زائر هنگام وداع، این است که آخرین زیارت نباشد و دوباره برگردد؛ مثلاً در زیارت وداع قبر حضرت رسول(س) و ائمه دیگر آمده است.

«اللهم لا تجعله آخر العهد مني لزيارة قبر نبيك...» یا «استودعك الله» یا «لا جعله الله آخر تسليمي عليك» یا «جعل الله آخر العهد من زيارة قبورك و اتيان مشاهدكم» یا «رزقني العود ثم العود ثم العود ما أبقاني ربّي» و ... که همه حاکی از این درخواست است که آخرین نوبت زیارت نباشد، باز هم قسمت شود، آخرین سلام نباشد، برگشت همراه با سلامتی و بهره و فضل و کامیابی باشد.

منبع: پایگاه اطلاع رسانی حوزه



# پاسدار آزادگی

فریبرز امینی

در روز سوم ماه شعبان، نوزادی از خاندان پیامبر اسلام، متولد شد که سال‌ها بعد با حیات و شهادت خود، آزادی و آزادگی را به انسان‌ها آموخت. مردی دلیر که برای حفظ دین خداوند ایستادگی کرد و مرگ رنگین را به زندگی ننگین ترجیح داد. نام ایشان حسین (ع) بود. مردی که روز ولادتش در کشورمان «روز پاسدار» نام دارد. (پاسدار یعنی نگاهبان) و مراقب. فردی که برخاست و مردانه و شجاع در جهت رسیدن به حق گام برداشت. برای احیای حقیقت‌خواهی همت کرد و حماسه‌ای آفرید که همواره نامش برای همگان جاودان و مورد احترام بوده است. سخنان ارزشمند بسیاری از ایشان به‌جای مانده است که به‌کارگیری این تعالیم الهی می‌تواند راه روشنی برای همه جوانب زندگی باشد. ایشان می‌فرمایند:

- نیاز و حاجت خود را به کسی اظهار مکن، مگر به یکی از این سه نفر: یا دیندار، یا جوانمرد، یا با شرافت.
- اگر در بین دو نفر اختلافی پیدا شود و یکی از آن دو نفر از دیگری طلب رضایت نماید، سبقت‌گیرنده اهل بهشت خواهد بود.
- همانا، سخاوتمندترین مردم کسی است که کمک نماید به کسی که امیدی به وی نداشته و بخشنده‌ترین افراد کسی خواهد بود که از روی توان و قدرت گذشت نماید، و بهترین کسی که صله انجام دهد، آن فردی است که با کسانی رفت و آمد می‌کند که با او قطع رابطه کرده‌اند.
- همانا، خداوند دنیا را محل آزمایش آفریده، و موجودات دنیا را برای فانی‌شدن و رفتن به عالم دیگری.
- از نشانه‌های خوش‌نامی و نیک‌بختی، همنشینی با خردمندان است.
- از نشانه‌های اسباب نادانی، مجادله با غیر اهل اندیشه است.
- رستگار نمی‌شوند مردمی که خشنودی مخلوق را در مقابل غضب خالق خریدند.
- بخشنده‌ترین مردم کسی است که در هنگام قدرت می‌بخشد.
- بخیل کسی است که از سلام کردن بخل ورزد (سلام نکند).
- ای فرزند آدم، به‌درستی که تو مجموعه‌ای از زمان‌ها و روزگار هستی، هر آنچه از آن بگذرد، زمانی از تو فانی و سپری گشته است، بنابراین لحظات عمرت را غنیمت شمار که جبران ناپذیر است.

www.hadithcity.com

www.aviny.com

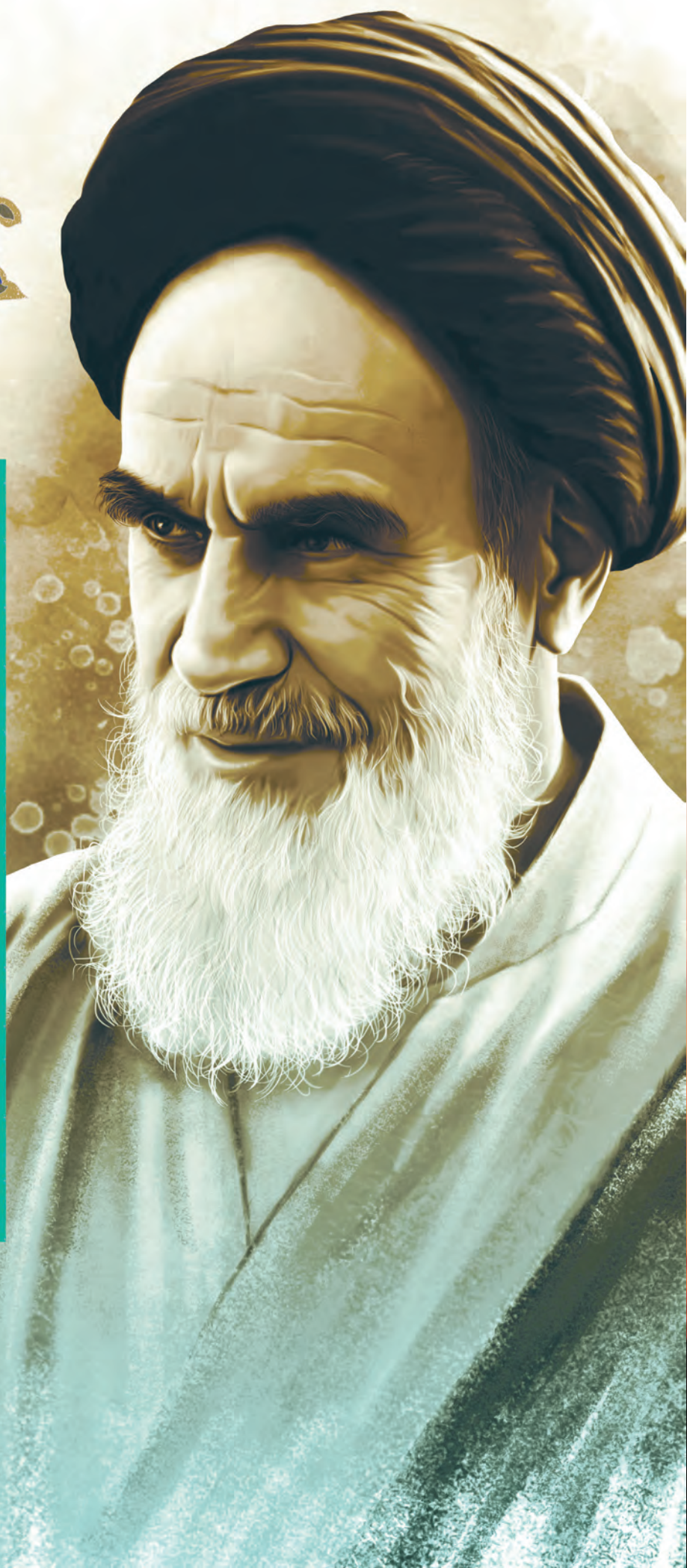
بلاغه الحسین  
نهج الشهادة  
الدره الباهرة  
تحف العقول





تاکید مداوم امام (ره) به مسائل نوجوانان و جوانان اعم از آموزش و تربیت آن ها نشان از عمق بینش ایشان در تکامل مداوم جامعه دارد. چرا که نوجوانان امروز و جوانان فردا سازنده آینده جامعه اسلامی هستند.

از قدرت جوانی استفاده کرده و در ملکوت پرواز کنید. تا جوانی در دست تو است کوشش کن در عمل و در تهذیب قلب و در شکستن قفل ها و رفع حجب که هزاران جوان که به افق ملکوت نزدیک ترند موفق می شوند و یک پیر موفق نمی شود. قید و بندها و قفل ها شیطانی اگر در جوانی غفلت از آن ها شود، هر روز که از عمر بگذرد، ریشه دارتر و قوی تر می شوند.

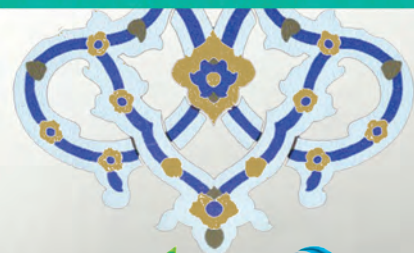






نگرش رهبر انقلاب به نوجوانان و جوانان نیز مبین اهمیتی است که ایشان برای این قشر از جامعه قائل هستند. تاکید مستمر بر مراقبت از نوجوانان و جوانان جامعه در برابر هجمه های فرهنگی و فکری نشان از بینش ژرف ایشان در زمینه نقش آینده ساز این گروه های اجتماعی است.

خود را در زمینه های تزکیه و اخلاق پیش ببرید؛ این ان شاء الله ذخیره همی زندگی شما خواهد شد. درخشش امیرالمؤمنین علی علیه السلام در دوران جوانی همان الگوی ماندگار است که همه جوانان می توانند آن را سرمشق خودشان قرار بدهند. جوان آسان پذیر و زودپذیر است، چون دل او نورانی است.







کتاب خوان عنوان نشست هایی است که به منظور به اشتراک گذاری کتاب های خوانده شده و با هدف ترویج و تبلیغ مطالعه در قالب معرفی کتاب برگزار می گردد. این جلسه در فضایی صمیمی تلاش دارد تجربیات مطالعاتی افراد کتابخوان را برای سایر علاقمندان کتاب و کتابخوانی به اشتراک گذارد. این نشست ها در سطوح استان و شهرستان برگزار می گردد. افرادی که در این نشست ها به ارائه و معرفی کتاب ها می پردازند کلیه اقشار جامعه اعم از کتابداران، نویسندگان، فعالین رسانه حوزه کتاب، اعضای کتابخانه های عمومی و سایر علاقمندان خواهد بود.

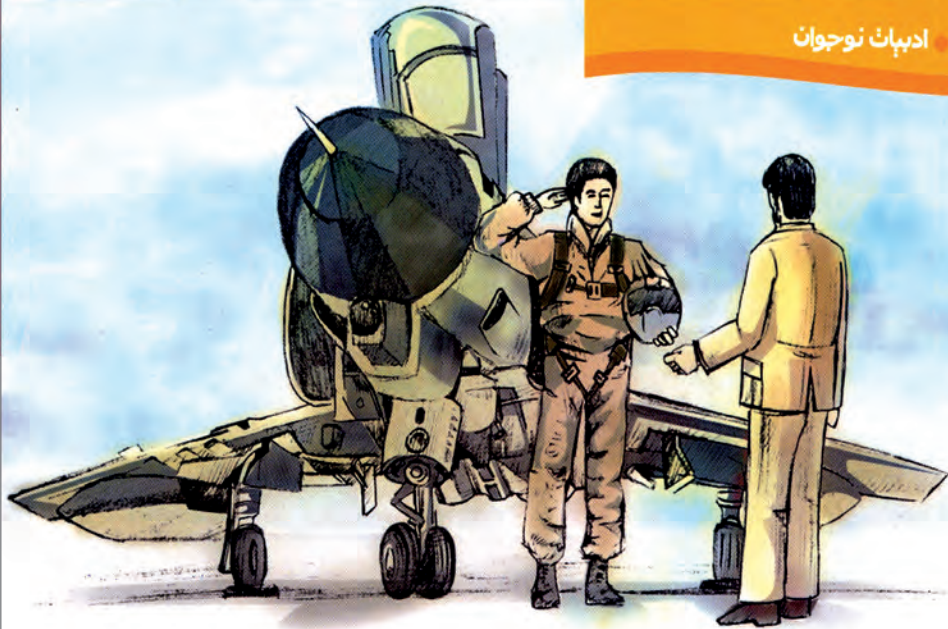
برای کسب اطلاعات بیشتر به پورتال نهاد کتابخانه های عمومی کشور مراجعه فرمایید.

[www.iranpl.ir](http://www.iranpl.ir)





ادبھاٹ نوجوان



حکایت سہارن

# یادگار عقاب

نگاہی بہ زندگی  
شہید عباس دوران

نویسنده: علی اکبر پرهیزگار  
تصویرگر: رشید کارگر

